

## دحلان

۳۸۱

کُزُبُرِي\*، قاضی ارتضا علی خان میدراسی هندی، محمدبن حسین حبشی باعلوی مکی (مفتی شافعی)، یوسف بن مصطفی صاوی و ابوفوز محمدبن رمضان مرزوقی مفتی مالکی. دحلان در اسناد روایات، بیشتر بر روایان مصری و افراد موثق آنان اعتماد داشته است (بکری دمیاطی، ص ۲۲-۲۱، ۳۱-۳۰، ۳۶-۳۵، ۳۸؛ بیطار، ج ۱، ص ۱۸۲؛ کتانی، همانجا؛ مرعشلی، ج ۱، ص ۱۱۹).

دحلان از حدود ۱۲۶۲ (سه سال پیش از مرگ استادش، عثمان دمیاطی) جانشین وی در تعلیم طالبان علم شد. در مکه، کانون علمی سودمندی برپا کرده بود و پیوسته به تألیف و تدریس علوم اسلامی خصوصاً حدیث در مسجدالحرام اشتغال داشت (بکری دمیاطی، ص ۳۹-۳۵؛ کتانی، ج ۱، ص ۳۹۰-۳۹۱). افزون بر آن، برای تدریس شخصاً به مناطق صحرايي حجاز و روستاهای اطراف مکه و طائف و شام و یمن رفت و آمد می کرد، یا کسانی را برای کار به آنجا می فرستاد و به آنان کمک مالی می کرد و برای این منظور، از توانگران و دستگاه حکومت یاری می گرفت (بکری دمیاطی، ص ۴۰-۴۶؛ یوسف الیان سرکیس، ج ۱، ستون ۹۹۰). دحلان به پرورش اخلاقی و عملی شاگردان نیز توجه داشت. او که طریقه های مختلف تصوف مانند خلوتیه، عیندروسیه، قادریه، نقشبندیه و شاذلیه را از طریق استادانش به ویژه شیخ عثمان، که خود از پیروان خلوتیه بود، می شناخت، در مسجدالحرام، متون کهن تصوف مانند الرسالة القشیریة و احیاء علوم الدین را نیز تدریس می کرد (بکری دمیاطی، ص ۳۰-۳۲، ۳۹، ۶۵). با این حال، او طریقت آل باعلوی\* را که مبتنی بر شریعت است، برگزید و در حدود پنجاه سالگی، اصول آن را نزد استادانی همچون حبشی، عمر بن عبدالله جُفُری، عبدالرحمان بن علی سَقَاف، احمد بن سالم جفیری و ابوبکر بن عبدالله عَطَّاس آموخت؛ به ترویج کتابها و طریقت باعلویان همت گماشت و شاگردان و مریدان خود را به ادعیه و اذکار و اوراد مندرج در آنها ترغیب می کرد (بیطار؛ یوسف الیان سرکیس، همانجا؛ بکری دمیاطی، ص ۳۳-۳۴، ۶۶).

در مجلس درس دحلان، شاگردان و عالمان بسیاری از سرزمینهای مختلف جهان اسلام، مانند حجاز، یمن، مصر، شمال آفریقا، مغرب، هند و افغانستان حضور می یافتند و اجازه روایت می گرفتند (برای فهرست نام آنان ← کتانی، ج ۱، ص ۳۹۱؛ مرعشلی، همانجا). در اواخر سده سیزدهم، دحلان به شاگردش، ابوعبدالله مکی بن عَزَّوَز، اجازه روایت حدیث داد و خود نیز از او اجازه روایت گرفت. عبدالرحمن بن عبدالکبیر کتانی (متوفی ۱۳۸۲) از آخرین نسل شاگردان اوست (کتانی، ج ۱، ص ۳۹۱-۳۹۲). یکی از شاگردان دحلان، ابوبکر بن محمد سَطَّ

ص ۲۱۹، پانویس ۱) که شاید صورت کامل شده کتاب الجواهری من شعره باشد که خاقانی (ج ۵، ص ۵۲۰) از قول دجیلی از آن نام برده است. دجیلی قصد داشت کتابی با نام شعراء النجف بنویسد، ولی این کتاب ناتمام ماند (خاقانی، ج ۵، ص ۵۲۰، ج ۱۰، ص ۱۰۶، پانویس ۱). او دیوان خطی شیخ علی شرقی، از شعراء معروف عراق (دریاره او ← همان، ج ۷، ص ۱۴۳) را نیز گردآوری کرده است (همان، ج ۷، ص ۱۵).

منابع: جعفر بن باقر آل محبوه، ماضی النجف و حاضرها، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ علی خاقانی، شعراء الغری، او، النجفیات، نجف ۱۳۷۳/۱۹۵۴، چاپ اگست قم ۱۴۰۸؛ عبدالکریم دجیلی، مع السائرین، بغداد ۱۳۸۰/۱۹۶۰؛ ماجد سامرائی، التیار القومی فی الشعر العراقي الحديث: منذ الحرب العالمية الثانية ۱۹۳۹ حتى نكسة حزيران ۱۹۶۷، [بغداد ۱۹۸۳/۱۴۰۳]؛ یحیی شامی، موسوعة شعراء العرب، بیروت ۱۹۹۹؛ محمدرضا شفیعی کدکنی، موسیقی شعر، تهران ۱۳۷۶ ش؛ کورکس عواد، معجم المؤلفین العراقيين فی القرنين التاسع عشر و العشرین، بغداد ۱۹۶۹؛ حمید مطیعی، موسوعة اعلام العراق فی القرن العشرين، بغداد ۱۹۹۵-۱۹۹۸؛ عبدالصاحب موسوی، حركة الشعر فی النجف الاشراف و اطواره خلال القرن الرابع عشر الهجری: دراسة نقدیة، بیروت ۱۹۸۸/۱۴۰۸؛ نازک الملائکة، قضایا الشعر المعاصر، بیروت ۱۹۸۹؛

Salma Khadra Jayyusi, *Trends and movements in modern Arabic poetry*, Leiden 1977.

## اعظیم طهماسبی /

دحلان، شهاب الدین ابوالعباس سیداحمدبن زینی، مفتی و مورخ شافعی مذهب قرن سیزدهم. او در ۱۲۳۲ (قس کتانی، ج ۱، ص ۳۹۰؛ ۱۲۳۱) در مکه متولد شد و در آنجا پرورش یافت (بکری دمیاطی، ص ۲۱؛ زکی محمد مجاهد، ج ۱، ص ۲۶۵). نسبش به عبدالقادر گیلانی\*، زاهد و صوفی معروف (متوفی ۵۶۱)، و عبدالله بن حسن مُتَنَنی (نوه امام حسن مجتبی) می رسد (دحلان، ۱۴۲۳، مقدمه ربیع بن صادق دحلان، ص ۹؛ بکری دمیاطی، ص ۱۸-۲۰).

دحلان در نوجوانی قرآن کریم را از بر کرد و علوم رایج از جمله ادبیات عرب، منطق و علوم دینی را نزد استادان بزرگ عصر خود آموخت. او بیشتر نزد عثمان بن حسن دمیاطی (متوفی ۱۲۶۵)، عالم شافعی ساکن مکه، تحصیل کرد. فقه حنفی را از محمدحسین کتبی (متوفی ۱۲۸۱) فراگرفت. افزون بر این، در شناخت سایر مذاهب اربعه اهل سنت تبحر یافت. شماری از دیگر استادان دحلان عبارت اند از: عبدالله شرقاوی\*، محمد الامیر الکبیر ازهری، محمد سَنَوَاتی، علی سرور مکی، محمدسعیدبن علی مقدسی، حامدبن احمد عطار، عبدالله بن عبدالرحمان سَوَاح حنفی، بُشَری بن هاشم جَبْرَتی، عبدالرحمان بن محمد

(همانجا).

دحداح لغت نامه چرماتوس قزخات (د ۱۱۴۵ ق/ ۱۷۳۲ م) با عنوان *باب الإعراب عن لغة الأعراب* را که خلاصه قاموس المحيط فیروزآبادی (د ۸۱۷ ق/ ۱۴۱۵ م) است، بازمینی و اصلاح کرد و در مارسی منتشر نمود (۱۲۶۵ ق/ ۱۸۴۹ م). وی همچنین دو شرح و تفسیر بر دیوان ابن فارض (د ۶۳۲ ق/ ۱۲۳۵ م) از آن شیخ حسن بورینی و عبدالغنی نابلسی را تصحیح و گردآوری کرد (قاهره، ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۲ م؛ نیز نک: ۵، ابن فارض). افزون بر اینها کتاب «تصویر سیاسی ناپلئون سوم» اثر آرتور د لا گزنییر، وزیر فرانسوی، را به عربی ترجمه کرد (پاریس، ۱۸۶۰ م).

دحداح نخستین کسی بود که کتاب *فقه اللغة* ابومنصور ثعالبی (د ۴۲۷ ق/ ۱۰۳۵ م) را منتشر کرد (پاریس، ۱۸۶۱ م). دو مجموعه از او در دست است: یکی با عنوان *طرب المسامع فی الکلام الجامع* (پاریس، ۱۸۶۱ م) که دربردارنده اشعار حکمت آمیز است؛ و دیگری با عنوان *قِمَطْرَةُ طَوَامِيرِ الطَوَامِيرِ* (وین، ۱۸۸۰ م) که مشتمل بر مقاله‌های ادبی است. علاوه بر این، منابع به آثاری از او اشاره کرده‌اند که منتشر نشده، یا از بین رفته‌اند، از جمله *دیوان شعر و کتاب السیار المشرق فی یوار المشرق* که حاوی نکاتی تاریخی درباره مشرق زمین و مسیحیان عرب است؛ نیز رساله‌ای در فن مناظره با عنوان *ترویج البال فی العلم / و القلم و المال* (نک: دبس، ۳۵۶/۱؛ کحاله، ۱۶۰/۳؛ سرکیس، ۸۶۸). در ۱۹۴۱ م کتابخانه برلین مجموعه نسخه‌های گردآوری شده توسط دحداح را خریداری کرد (نک: عواد، ۱۵۸/۱).

مآخذ: داغر، یوسف اسعد، *مصادر الدراسة الادبية، بیروت، ۱۹۷۲ م*؛ دبس، یوسف، *الجامع المفصل فی تاریخ الموارنة المؤخر، به کوشش میشل حایک، بیروت، ۱۹۸۷ م*؛ دحداح، رشید، «تقصیده»، *المشرق، بیروت، ۱۹۰۲ م*، ۵، ش ۴؛ دحداح، سلیم خطار، «الکونت رشید الدحداح و اسرته»، *المشرق، بیروت، ۱۹۰۱ م*، ۴؛ سرکیس، یوسف البان، *معجم المطبوعات العربية و المعربة، قاهره، ۱۳۴۶ ق/ ۱۹۲۸ م*؛ شیخو، لویس، «الآداب العربية فی القرن التاسع عشر»، *المشرق، بیروت، ۱۹۱۰ م*، ۱۳؛ طرازی، فیلیپ، *تاریخ الصحافة العربية، بیروت، ۱۹۱۳ م*؛ عواد، کورکیس، *فهارس المخطوطات العربية فی العالم، کویت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۴ م*؛ کحاله، عمر رضا، *معجم المؤلفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ نیز: Ayalon, A., The Press in the Arab Middle East, New York / Oxford, 1995.*  
بابک فرزانه

**دَحْلَان**، شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن زینی (۱۲۳۱- محرم ۱۳۰۴ ق/ ۱۸۱۶- اکتبر ۱۸۸۶ م)، عالم مشهور مکی. گفته‌اند که نسب او از طریق شیخ عبدالقادر گیلانی (د ۵۶۱ ق/ ۱۱۶۶ م) به سادات حسنی می‌رسد («ترجمه ...»، ۵؛ برای صحت و سقم انتساب خاندان عبدالقادر گیلانی به سادات حسنی، نک: تاذفی، ۳؛ قس: ابن طقطقی، ۹۵-۹۶؛ ابن عنبه، ۱۳۰). وی در مکه به

**دَحْدَاح**، رشید، روزنامه‌نگار، شاعر، پژوهشگر، مترجم و بازرگان مارونی (۱۲۲۸-۱۳۰۶ ق/ ۱۸۱۳-۱۸۸۹ م). او در روستای غزمون (غرامون)، یکی از روستاهای شهرستان کبیروان (کبیروان) واقع در استان جبل لبنان، متولد شد. در مدارس عین ورقه و بزمآز زیانهای ایتالیایی، سریانی، عربی و ترکی را آموخت (داغر، ۳۶/۲). در ۱۲۵۴ ق/ ۱۸۳۸ م به دبیری شاهزاده امین شهابی، فرزند شاهزاده بشیر (۱۷۸۸-۱۸۴۰ م)، حاکم جبل لبنان، گمارده شد و دو سال در این منصب خدمت کرد (دحداح، سلیم خطار، ۴۵۷؛ شیخو، ۱۳۹؛ دبس، ۳۵۴/۱).

رشید دحداح در آغاز حکومت عمر پاشا (۱۲۵۸ ق/ ۱۸۴۲ م) عهده‌دار نظارت بر املاک دولتی شد، اما خیلی زود از این کار کناره گرفت (دحداح، سلیم خطار، ۴۵۷-۴۵۸؛ دبس، همانجا). وی در ۱۲۵۹ ق/ ۱۸۴۳ م به توطئه بر ضد پاپ عالی متهم شد و ناگزیر به کنسولگری فرانسه در صیدا گریخت، و سرانجام در ۱۲۶۱ ق/ ۱۸۴۵ م به همراه عموی خود، مرعی دحداح به مارس رفت و با دختر او ازدواج کرد و همانجا اقامت گزید (شیخو، همانجا). آنجا ضمن اینکه مشغول تجارت بود، به مسائل ذوقی و ادبی روی آورد و یک دستگاه چاپ تدارک دید و به انتشار چند اثر کلاسیک عربی پرداخت (ایالن، ۴۷) و سرانجام تجارت را به کناری نهاد و به دانش و ادبیات روی آورد.

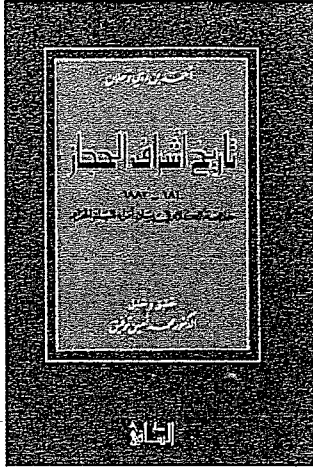
دحداح در ۱۲۷۴ ق/ ۱۸۵۸ م روزنامه *البرجیس و انیس الجلیس* را در پاریس تأسیس کرد، و با این کار مورد توجه حکومت فرانسه قرار گرفت و در میان ادیبان از شهرت گسترده‌ای برخوردار شد. در این روزنامه مقاله‌هایی در سیاست، زبان، تاریخ و ادبیات منتشر می‌شد (شیخو، ایالن، همانجا؛ طرازی، ۱۰۷/۱).

رشید دحداح شعر نیز می‌سرود. قصیده‌ای از او در مدح ناپلئون سوم که در ۱۲۶۷ ق/ ۱۸۵۱ م سروده، در دست است. در ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۲ م زمانی که پای تونس به پاریس رقت، دحداح او را در گرفتن یک وام یا شرایط مناسب کمک کرد و او را با لامیه خود که در معارضه با لامیه کعب بن زهیر سروده بود، ستود (نک: ص ۱۵۵-۱۵۹؛ طرازی، همانجا) و به همین سبب به عنوان مترجم ویژه پای برگزیده شد و در حکومت او امور مهمی را بر عهده گرفت (شیخو، ۱۳۹-۱۴۰).

دحداح در ۱۲۸۴ ق/ ۱۸۶۷ م از سوی پاپ پیوس نهم به دریافت لقب کنت نایل شد (دبس، ۳۵۵/۱؛ طرازی، همانجا). در ۱۲۹۲ ق/ ۱۸۷۵ م، او در ساحل مانس روستایی به نام دینار را با زمینهای اطرافش خریداری کرد، و آنجا را به شهری زیبا تبدیل نمود و قصری برای خود در آن بنا کرد و تا پایان عمر به همراه خانواده‌اش در آن زیست، و به مطالعه و تألیف پرداخت (شیخو، ۱۴۰؛ طرازی،

1. Arthur de La Guéronnière, *Portrait politique de l'empereur Napoléon III.*

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SUNVA CELEN DOKUMAN



14 Temmuz 2017

كتاب دحلان يسمى (خلاصة الكلام في بيان أمراء البلد الحرام)، وقد وضع المحقق هذا العنوان، بخط صغير، تحت عنوانه المبتكر. وعلى هذا، فيكون المحقق قد جانب الصواب، في عدة أمور: أولاً، نسبة هذا الكتاب إلى غير مؤلفه. وثانياً، تسميته الكتاب بتسمية حديثة، ليست من وضع ذلك المؤلف. وثالثاً، وضعه التسمية الأصلية بحرف صغير، تحت العنوان الرئيس الذي ابتدعه.

إن الذي نقله المحقق عن دحلان إنما هو نص (قطعة) من كتاب (خلاصة الكلام)، الصادر عن دار الكتب المصرية، القاهرة، سنة ١٣٠٥هـ/١٨٨٧م، من صفحة ٣١٠ إلى صفحة ٣٣١.

هذا النص يغطي حقبة زمنية من سنة ١٢٥٥هـ/١٨٤٠م، إلى سنة ١٣٠١هـ/١٨٨٣م. فلو أن المحقق سمي عمله (تحقيق قطعة من كتاب خلاصة الكلام في بيان أمراء البلد الحرام، تأليف أحمد زيني دحلان)، لكان بذلك قد اتبع الأصول المرعية في تحقيق نصوص التراث، وعزوها إلى أصحابها، من دون أن يحدث لبساً عند القراء، ومفهرسي المطبوعات؛ إذ إنهم سينسبون إلى دحلان كتاباً عنوانه (تاريخ أشراف الحجاز)، وهو ليس من مؤلفاته، في حقيقة الأمر.

هذا الكتاب، على ما فيه من تجاوزات منهجية، يحتوي على معلومات قيمة، حيث تحدث المحقق عن قيمة كتاب (خلاصة الكلام)، وعن شخصية مؤلفه، وبحث الحقبة الزمنية، موضوع الكتاب، بحثاً تاريخياً مفيداً، على وجازته.

#### الهوامش:

١ السندي، عبد العزيز بن راشد، معجم ما ألف عن مكة المكرمة غير العصور (الرياض: دار الملك عبد العزيز، ١٤٢٩هـ)، ٩٤.

محمد باذيب

٣ مجلة المنهل، ج٧، مجلد، ٢٧ (رجب ١٣٨٦هـ/نوفمبر ١٩٦٦م)، ٧٤٣.

٤ الطاهر، علي جواد، معجم المطبوعات العربية في المملكة العربية السعودية، أشرف على الطبع: حمد الجاسر، ط٢، ج٢ (الرياض: دار الفرزدق، ١٤١٨هـ/١٩٩٧م)، ٩٥٥-٩٥٦.

عبد الله العبادي

## تاريخ أشراف الحجاز

كتاب (تاريخ أشراف الحجاز ١٨٤٠-١٨٨٣م، خلاصة الكلام في بيان أمراء البلد الحرام)، نُسبَ إلى مفتي الشافعية بمكة المكرمة، أحمد بن زيني دحلان (ت ١٣٠٤هـ/١٨٨٦م)، قام بتحقيقه محمد أمين توفيق، وصدرت طبعته الأولى عن دار الساقى، لبنان، سنة ١٤١٣هـ/١٩٩٣م، في ١٠٧ صفحات. ذكره السندي في كتابه (معجم ما ألف عن مكة المكرمة عبر العصور)<sup>(١)</sup>، ولم يتعرض لنقده، سوى أنه سرد بياناته، حسب منهجية كتابه.

جاءت عناوينه الرئيسة، كما وردت في فهرس الموضوعات، على النحو التالي:

- مقدمة.

- مدخل.

- الفصل الأول: القوى التي أحاطت بأشراف الحجاز.

- الفصل الثاني: حكم الأشراف للحجاز في الفترة من ١٨٤٠-١٨٨٣م، كما يصوره نص وثيقة خلاصة الكلام لزيني دحلان.

- الفصل الثالث: البناء السياسي لحكم الأشراف.

- خاتمة: مفتي مكة، زيني دحلان ١٨١٦-١٨٨٦م، حياته ومؤلفاته.

- الملاحق.

- المراجع.

- بيبليوغرافيا.

- الهوامش.

يلاحظ أن محقق الكتاب نسب تأليفه إلى أحمد بن زيني دحلان، ولكن ذلك غير مطابق لحقيقة الأمر والواقع، فإن هذا الكتاب بهذه الصورة، ليس من تأليف دحلان، بل هو من تأليف المحقق، وفي ضمنه فصل منقول عن كتاب دحلان، كما أن العنوان الرئيس، هو الآخر، من وضع المحقق، وليس من تسمية دحلان.

## أحمد زيني دحلان، حَلَقَة

الديماطي، وغيرهم. تصدى للتدريس في حلقة المسجد الحرام، واستفاد منه كثيرون<sup>(١)</sup>.

## الهوامش:

١ أبو الخير، عبد الله مراد، المختصر من كتاب نشر النور والزهر في تراجم أفاضل مكة من القرن العاشر إلى القرن الرابع عشر، تحقيق: محمد سعيد العامودي وأحمد علي، ط ٢ (جدة: عالم المعرفة، ١٤٠٦هـ/١٩٨٦م)، ٨٧؛ عبد الجبار، عمر، سير وتراجم بعض علمائنا في القرن الرابع عشر للهجرة، ط ٣ (جدة: شركة تهامة، ١٤٠٢هـ/١٩٨٢م)، ٧١.

عباس طاشكندی

## أحمد شاکر باشا، إمارة

كان أحمد شاکر باشا محافظاً للمدينة المنورة، في حوالي ١٣١٩-١٣٢٠هـ/١٩٠١-١٩٠٢م. ومن المرجح أن ولايته للمدينة المنورة بدأت بعد عزل محافظها محمد عربي زروق باشا في سنة ١٣١٩هـ/١٩٠١م<sup>(١)</sup>.

يقول عبد الباسط بدر: «كانت توسعة المسجد النبوي آخر حدث مهم في المدينة المنورة في القرن الثالث عشر الهجري/التاسع عشر الميلادي، كما كانت شخصية داود باشا الكرجي أبرز شخصية رسمية تظهر في المدينة في النصف الثاني من هذا القرن. فبعد وفاته (في سنة ١٢٦٧هـ/١٨٥٠م) توالى عدد من المحافظين، لا نجد لهم أي أثر يُذكر، ولا نجد في سجلات تلك الفترة أخباراً تلفت النظر، بل إتنا لا نجد أسماءهم كاملة، ومدة تولي كل منهم منصبه على وجه التحديد»<sup>(٢)</sup>.

وإذا ثبتت صحة تاريخ ولاية أحمد شاکر باشا، فإن أهم حدث جرى في المدينة المنورة، بدأ قبل ولايته بقليل، هو إنشاء محطة اللاسلكي على أطراف المدينة المنورة، لأن إنشاء تلك المحطة بدأ في أوائل سنة ١٣١٨هـ/١٩٠٠م<sup>(٣)</sup>.

## الهوامش:

١ عبد الغني، عارف أحمد، تاريخ أمراء المدينة المنورة (دمشق: دار كنان للطباعة، ١٤١٧هـ/١٩٩٦م)، ٤١٩.  
٢ بدر، عبد الباسط، التاريخ الشامل للمدينة المنورة ج ٢ (المدينة: د. ن، ١٤١٤هـ/١٩٩٣م)، ٤٨٧-٤٨٨.  
٣ عبد الباسط بدر، ج ٢، ٥.

صلاح حمودي

## أحمد شاه، رباط

أحد رباطات مكة المكرمة. عرف بـ(رباط السلطان شهاب الدين أبي المغازي أحمد شاه)<sup>(١)</sup>. كما عرف بـ(مجمع البرقية)<sup>(٢)</sup>، ولا يعرف سبب هذه التسمية. وكان موقعه على

حلقة في المسجد الحرام، كانت للشيخ أحمد زيني دحلان (١٢٣١-١٣٠٤هـ/١٨١٥-١٨٨٦م)، صاحب المؤلفات الشهيرة، ومفتي الشافعية في مكة آنذاك، وشيخ العلماء. باشر التدريس والإفتاء في حلقة الشهيرة برحاب البيت العتيق، فكان يجيز العلماء وطلاب العلم، وكان يوم حلقة جمع كبير من علماء مكة وغيرها من البلاد<sup>(١)</sup>.

وكانت له حلقة تدريس في المدينة المنورة. قال عنه عبد الله غازي في (نظم الدرر): «وقرأ الدروس، وهرع إليه أهل طيبة الفخام، فكان يقرأ في الصبح درسين وفي الظهر كذلك، وفي العصر درس، وفي المغرب كذلك، وحضر فيها جملة من الأعيان»<sup>(٢)</sup>.

## الهوامش:

١ البيطار، عبد القادر، حلقة البشر في تاريخ القرن الثالث عشر، تحقيق: محمد بهجة البيطار، ج ١ (بيروت: دار صادر، ١٤١٣هـ/١٩٩٢م)، ١٨٢.

٢ غازي، عبد الله محمد، نثر الدرر في تذييل نظم الدرر في اختصار نشر النور والزهر في تراجم أهل مكة من القرن العاشر إلى القرن الرابع عشر، مكتبة الحرم المكي، ١٢٤٢هـ/١٩٢٤م، ورقة ١٦٠.

عباس طاشكندی

## أحمد سباع، حَلَقَة

كان الفقيه أحمد بن قايد بن سباع (ت ٩٠٦هـ/١٥٠٠م) من العلماء البارزين. وكانت له حلقة علمية بالمسجد الحرام، يؤدي فيها الأطفال؛ إضافة إلى أنه كان ينوب مع الفراشين بالمسجد الحرام. ظل على عمله المذكور حتى وفاته في شهر جمادى الآخرة من السنة المذكورة، فشيعة خلق كثير، منهم قاضي الشافعية، في ذلك الوقت؛ ودفن بمقبرة المعلاة<sup>(١)</sup>.

## الهوامش:

١ العز بن فهد، عبد العزيز بن عمر، بلوغ القرى في ذيل إتحاف السورى بأخبار أم القرى، تحقيق: صلاح الدين خليل وعبد الرحمن أبو الخيبر وعليان المطبدي، ج ٢ (القاهرة: دار القاهرة، ١٤٢٥هـ/٢٠٠٥م)، ١١٤٢.

علي الشرقي

## أحمد سننيس، حَلَقَة

حلقة تدريس في المسجد الحرام، كانت للشيخ أحمد خطيب سننيس (١٢١٧-١٢٨٩هـ/١٨٠٢-١٨٧٢م). فقيه شافعي، أخذ عن مشايخ مكة وعلمائها، منهم: محمد صالح الرئيس، وعمر عبد رب الرسول، وعبد الحفيظ العجيمي، وبشرى الجبرتي، وأحمد المرزوقي، وعبد الله ميرغني، وعثمان

Dahlan Ahmed Zeyni (040032)

### Dahlān, Aḥmad b. Zaynī

**Aḥmad b. Zaynī** b. Aḥmad **Dahlān** (d. 1304/1886) was a *sayyid* of the Ḥasanid line (that is, a descendant of the prophet Muḥammad through his grandson al-Ḥasan) and one of the most influential scholars in Mecca through the 1870s until his death. He was born in Mecca sometime between 1231/1816 and 1233/1818 and died in Medina. He completed his education in the jurisprudential tradition of the four schools of law (*madhhab*, pl. *madhāhib*) in Sunnī Islam solely in Mecca, where he also made a career as a scholar of the Shāfiʿī school. A moderate Ṣūfī (mystic) in the style of al-Ghazālī (d. 505/1111), he was affiliated with several brotherhoods (among them the Khalwatiyya). He adhered to an elitist Ṣūfī tradition based on descent from the prophet Muḥammad, developed by the Ḥaḍramī *sayyid*-clan of Bā ʿAlawī, which equated the genealogical connection to the Prophet with the Ṣūfī *silsila* (lit. chain, that is, the mystico-spiritual genealogy). In 1288/1871 he became *mufī* (official provider of formal legal opinions, or *fatwās*) and head of the Shāfiʿī *madhhab* in Mecca, and therewith advanced to the state office of head of the

scholars at the Great Mosque, a post that was paid by Ottoman subsidies. In the latter function, Dahlān was the official representative of fifty to sixty teachers from all Sunnī *madhāhib* at the Meccan Ḥaram and director of their internal affairs. Additionally, he became supervisor of the first printing press in the Ḥijāz, established at Mecca in 1883–4.

Because of the offices he held, Dahlān received numerous requests for *fatwās* and attracted disciples from all parts of the Muslim world, particularly from India and Southeast Asia. His more than forty writings, many of which were published during his lifetime, attest to his scholarly activities. In addition to his works on grammar and rhetoric and treatises on pious, dogmatic, and mystical topics (including condensed versions of classical texts and commentaries, in subjects such as Shāfiʿī *fiqh* (jurisprudence) and *tafsīr* (commentary on the Qurʾān)), his historiographical works, particularly his history of Mecca, are especially noteworthy, not least for his descriptions of contemporary events.

Dahlān participated in several of the political and religious conflicts of his time and place and became famous as

148335

(٥)

سلسلة رسائل أئمة وعلماء الدعوة

# فتح المصاب

في

## نقض شبه الضال دحلان

تأليف

الشيخ العلامة زيد بن محمد آل سليمان

المتوفى عام ١٣٠٧ هـ

قرّطه وطبعه على نفقته

فضيلة الشيخ محمد بن سليمان آل سليمان

القاضي بمحكمة الدمام سابقاً  
غفر الله له ولوالديه ولجميع المسلمين

تحقيق

عبدالله بن زيد بن مسلم آل مسلم

دار التوحيد للنشر  
الرياض

040032

Dahlan, Ahmed b. Zayn

ح دار التوحيد، ١٤٢٦ هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

آل سليمان، زيد بن محمد

فتح المصاب في نقض شبه الضال دحلان / زيد بن محمد آل

سليمان؛ عبدالله زيد مسلم آل مسلم - الرياض، ١٤٢٦ هـ

٢١٦ ص؛ ١٧ × ٢٤ سم.

ردمك: ٦-٨-٩٤٩٤-٩٩٦٠

١- العقيدة الإسلامية - دفع مطاعن ٢- الدعوة السلفية -

السعودية أ. آل مسلم، عبدالله زيد مسلم (محقق) ب. العنوان

ديوي ٩٠١، ٢٤٠ / ٩٤٩ ١٤٢٦

رقم الإيداع: ١٤٢٦/٩٤٩

ردمك: ٦-٨-٩٤٩٤-٩٩٦٠

حقوق الطبع محفوظة للمحقق

الطبعة الأولى

١٤٢٦ هـ

Türkiye Diyanet Vakfı	
İslâmî Araştırmaları Merkezi	
Kütüphanesi	
Kitap No:	148335
Tarih No:	2974
	SÜLF

التوزيع

دار التوحيد للنشر

المملكة العربية السعودية

ص.ب. ٤٦٤ - الرياض ١١٤٣٣

هاتف وفاكس: ٤٢٥٩٩٩٠

Dar\_attawhed.pub.sa@naseej.com

٦٨٢ د دحلان ، أحمد بن زيني ، ت ١٣٠٤ هـ  
 إعراب جاء زيد ومسائل في النحو واللغة /  
 تأليف أحمد بن زيني دحلان ؛ تعليق عبد الله عبداللطيف  
 الشامي. - ط ١. - جدة : دار الوفاء ، ١٤٠٦ هـ ،  
 ١٩٨٦ م.  
 ٥٣ ص ؛ ٢٤ سم  
 ١. اللغة العربية - النحو . أ. الشامي ، عبد الله  
 عبداللطيف ، معلق ب. العنوان

MADDE YATIMLANDIKTAN  
 SONRA GELEN DOKÜMAN  
 16 Ocak 1995

DAHLĀN Ahmed b. Zaynī 87-964188  
 Dahlān, Ahmad ibn Zaynī, 1816 or 17-1886.  
 (I'rāb jā' a Zayd, wa-mas'āl taḥqīqiyah fī al-naḥw wa-al-lughah)  
 إعراب جاء زيد ، ومسائل تطبيقية في النحو  
 واللغة / تأليف أحمد بن زيني دحلان ؛  
 تعليق عبد الله عبداللطيف  
 الشامي . - الطبعة ١. - جدة ،  
 المملكة العربية السعودية : دار الوفاء ،  
 1986.  
 53 p. ; 24 cm.  
 \$2.00 (U.S.)  
 Acquired only for LC.

٦٨٢ د دحلان ، أحمد بن زيني ، ت ١٣٠٤ هـ  
 خلاصة الكلام في بيان أمراء البلد الحرام / تأليف  
 أحمد بن زيني دحلان. - ط ١. - القاهرة : المطبعة الخيرية ،  
 ١٣٠٥ هـ ، ١٨٨٧ م.  
 ٤ ، ٣٣٢ ص ؛ ٢٧ سم  
 بالمهامش التاريخ المسمى : الاعلام بأعلام بيت الله  
 الحرام / للنهروالي .  
 ١. مكة المكرمة - تاريخ ٢. مكة المكرمة -  
 تراجم . أ. النهروالي ، محمد بن احمد ، ت ٩٩٠ هـ .  
 الاعلام بأعلام بيت الله الحرام ب . العنوان ج. عنوان :  
 الاعلام بأعلام بيت الله الحرام

MADDE YATIMLANDIKTAN  
 SONRA GELEN DOKÜMAN  
 16 Ocak 1995

040032 DAHLĀN Ahmed b. Zaynī  
 130814 MEKKE AMİLLİĞİ 23 SU  
 1) DAHLĀN (Ahmad ibn Zaynī)  
 خلاصة الكلام في بيان أمراء بلد الحرام من زمن النبي  
 وآله وصحبه وسلم . تأليف أحمد بن زيني دحلان .  
 بيروت : دار المرئفة ، ١٩٧٤ .  
 "Muḥāsasat al-kalām fī bayān umarā' al-balad al-  
 ḥarām..."  
 C 11 163

2) DAHLĀN (Ahmad ibn Zaynī)  
 دحلان (أحمد بن زيني) .  
 - خلاصة الكلام في بيان أمراء البلد الحرام .  
 - Le Caire : al-Maṭba'at al-hayriyya, 1305 [1887].  
 - 4-352 p. ; 29cm.  
 "Muḥāsasat al-kalām fī bayān umarā' al-Balad al-  
 ḥarām..." - GAL : GI, 649 ; SII, 810 (n. 1304/  
 1886) - Contient en marge : "al-l'ām bi-a'lām  
 Bayt Allāh al-ḥarām" / an-Nahrāwālī.  
 Marwān (Ahmad). Ed. Histoire. Makka.  
 7e-19e s.

MADDE YATIMLANDIKTAN  
 SONRA GELEN DOKÜMAN  
 16 Ocak 1995

040032 DAHLĀN Ahmed b. Zaynī  
 130814 MEKKE AMİLLİĞİ 23 SU  
 1) DAHLĀN (Ahmad ibn Zaynī)  
 دحلان (أحمد بن زيني) .  
 - السيرة النبوية والآثار الحمديّة [وسياسته الفتن  
 المبين في فضائل الخلفاء الراشدين وأهل البيوت  
 الطاهرين] / تأليف أحمد بن زيني المشهور بدحلان .  
 الطبعة الثانية بالأوفت . - بيروت : دار المرئفة  
 للطباعة والنشر [١٩٧٤] .  
 - 2 t. , 272+312-IIP. ; 28cm.  
 [4° 02g.3060  
 "Sīra (al-) al-nabawīya... en marge Faḥḥ (Al-)  
 al-mubin fī Faḥḥ al-al-ḥulafa' al-rasīdīn..."  
 C 11 163

2) DAHLĀN (Ahmad Zaynī).  
 دحلان (أحمد بن زيني) .  
 - السيرة النبوية .  
 [4° 02g.3060  
 2e titre pris à la page de titre ancienne. -Re-  
 production de l'éd. du Caire:al-Maṭba'a al-may-  
 maniya,1310[1892 ou 1893]. - 1974,d'après le  
 catalogue de Byblos. - Acq.6566-75. - Rel.  
 Mahomet.  
 -Mahomet.Compagnons.  
 Califes.Hagiographie.  
 -Mahomet. Famille.  
 C 11 163

23 SU  
 1) DAHLĀN (Ahmad ibn Zaynī)  
 دحلان (أحمد بن زيني) .  
 - السيرة النبوية والآثار الحمديّة / انتهى بطبعه محمد  
 بيك سعيد .  
 - Le Caire : al-Maṭba'at al-wahbiyya, 1285 [1868].  
 - 2 vol., 2-306 + 4-352 p. ; 30cm.  
 "Sīra (as-) n-nabawīya wa-l-āṭār al-Muḥammadi  
 ya" - GAL : GII, 449 ; SII, 810 (n. 1304/1866).  
 Sa'īd (Muḥammad Bey). Ed. Sīra. Biographie  
 mahométane. 19e s.  
 C 11 163

MAYIS 1995

20 HAZIRAN 1991

SNOUCK HURGRONJE, C. Een rector der Me-  
 kaansche Universiteit: (Ahmad ibn Zaynī  
 Dahlān.) Bijdragen tot de t.l.v. 5th s., 2.  
 (1887), 344-404. Dahlān, Ahmed b. Zaynī

٦٨٢ د دحلان ، أحمد بن زيني ، ت ١٣٠٤ هـ  
 تاريخ أشرف الحجاز : ١٨٤٠ - ١٨٨٣ :  
 خلاصة الكلام في بيان أمراء البلد الحرام / أحمد بن زيني  
 دحلان ؛ تحقيق وتحليل محمد أمين توفيق. - ط ١.  
 بيروت : دار الساقي ، ١٤١٣ هـ ، ١٩٩٣ م.  
 ١٠٧ ص ؛ ٢٤ سم  
 ١. الحجاز - الملوك والحكام ٢. الحجاز -  
 تاريخ - العصر العثماني . أ . توفيق ، محمد أمين ، محقق  
 ب . العنوان

MADDE YATIMLANDIKTAN  
 SONRA GELEN DOKÜMAN  
 16 Ocak 1995

040032 DAHLĀN Ahmed b. Zaynī  
 130814 MEKKE AMİLLİĞİ 23 SU  
 1) DAHLĀN (Ahmad ibn Zaynī)  
 دحلان (أحمد بن زيني) .  
 - الفتوحات الإسلامية بعد مضي الفتوحات النبوية / صحبه  
 عبد الحميد بن محمد فردوس الكي الأفغاني  
 - Makka : al-Maṭba'at al-amriyya, 1302 [1885].  
 - 2 t. en 1 vol., 6-288 + 6-375 p. ; 28cm.  
 "Futūḥāt (al-) al-islāmīya ba'd ma'd l-futūḥāt  
 an-nabawīya." - GAL : GII, 649 ; SII, 810  
 (n. 1304/1886).  
 Firdūs (ʿAbd al-ḥamīd). Ed. Histoire. Conquêtes  
 islamiques. 7e-19e s.  
 C 11 162

86-965657  
 Dahlān, Ahmad ibn Zaynī, 1816 or  
 17-1886.  
 (Durar al-saniyah fī al-radd  
 alā al-Wahhābiyah)  
 الدرر السنية في الرد على الوهابية /  
 تأليف أحمد بن السيد زيني دحلان .  
 القاهرة : دار جوامع الكلم ، [198-]  
 189 p. ; 17 cm.  
 £E1.50  
 Egy-Islam.

*Mawqūfāt-i Dādā'iyya* (Afshār, 2/350; Kiyānī, 219–220). Bāfqī's *Jāmi'-i Muftidī* (3/327, 585, 588, 660, 579) contains some reports about the endowments of Bābā Taqī al-Dīn and his *khāniqāhs* (see also Tīrāz, 38–39)

For several centuries after his death Dādā Taqī al-Dīn's descendants, who became known as the Mashāyikh-i Dādā'iyya (the Dādā'i masters) and were among the prominent figures of Yazd and its vicinity, played a significant role in the social life of Yazd, offering spiritual guidance and managing the endowments of their order, as well as constructing new buildings. The most notable figures among them were Shams al-Dīn Dādā Muḥammad, Burhān al-Dīn Amīr Shaykh, Mīr Sulṭān Aḥmad, Shamsā Mīrzā Muḥammad Kāzīmā Dādā'i and Nīzāmā Mīrzā Muḥammad Kāzīmā Dādā'i. By the 11th/17th century, however, after the passing of several generations, many of these endowments had lost their revenue and fallen into disrepair due to the negligence of the overseers and those in charge (Bāfqī, 3(2)/530, 576–577, 585–586 et passim).

In conclusion one may say that the accounts of Shaykh Taqī al-Dīn Dādā, as well as those of his descendants and followers, the subsequent development of his shrine and the endowments of the Mawqūfāt-i Dādā'iyya mirror the increasing prominence of Sufis and Sufism in the late Ilkhānid era and subsequent centuries. Whilst not as famous or as influential as other charismatic religious figures, such as Ṣafī al-Dīn Ardabīlī (650–735/1252–1340) and his descendants, or those of the Nīmat Allāhī order in Mahān (8th/14th century onwards), it is evident that within a restricted provincial area in 'Irāq-i 'Ajam the family of Dādā'i shaykhs had a respected status and were accorded considerable reverence. In these terms the progress of Shaykh Taqī al-Dīn from a humble farm labourer, *murīd* of another, virtually anonymous, Sufi, saving his earnings to give to those less fortunate, to an honoured religious figure able to undertake the Ḥajj and whose grave became the centre of a shrine-complex, is a reflection of the reli-

gious and social trends and concerns of the Mongol and Timūrid eras.

#### BIBLIOGRAPHY

Afshār, 'Iraj, *Yādigārhā-yi Yazd* (Tehran, 1348 Sh./1969); Bāfqī, Muḥammad Muftid, *Jāmi'-i Muftidī*, ed. 'Iraj Afshār (Tehran, 1340 Sh./1961); Dīkhhudā, 'Alī Akbar et al., *Lughat-nāmāh* (Tehran, 1377 Sh./1994); Ja'farī, Ja'far, *Tārīkh-i Yazd*, ed. 'Iraj Afshār (Tehran, 1343 Sh./1964); Kātib, Aḥmad, *Tārīkh-i jadīd-i Yazd*, ed. 'Iraj Afshār (Tehran, 1345 Sh./1966); Kh'āndamīr, Ghīyāth al-Dīn, *Ḥabīb al-siyar*, ed. Muḥammad Dabīr Siyāqī (Tehran, 1353 Sh./1974); Kiyānī, Muḥsin, *Tārīkh-i khāniqāh dar 'Irān* (Tehran, 1369 Sh./1990); Mustawfī, Ḥamd Allāh, *Tārīkh-i guzīdah*, ed. Edward Browne (London, 1910); Tīrāz, 'Abd al-Wahhāb, 'Kitābchah-yi mawqūfāt-i Yazd', ed. 'Iraj Afshār, *Farhang-i 'Irān zamīn*, 10 (1341 Sh./1962), pp. 5–118.

MARYAM FALAHATI MOVAHHED  
TR. FARZIN NEGAHBAN

Dahlān, Shihāb al-Dīn Abū al-'Abbās Aḥmad b. Zaynī (1233–1304/1817–1886), was a famous Meccan scholar, whose lineage is said to trace back through 'Abd al-Qādir al-Jīlānī (al-Gīlānī) (d. 561/1166) to a long line of Ḥasanī *sayyids* (Dahlān, *al-Sīra*, introd., 1/5; on 'Abd al-Qādir al-Gīlānī's lineage see al-Tādīfī, 3; cf. Ibn al-Ṭīqṭaqā, 95–96; Ibn 'Inaba, 130). He was born in Mecca (al-Kattānī, 1/390; Mujāhid, 1/265), where he was taught by scholars such as Muḥammad Sa'īd al-Maqdisī, Bishrī al-Jabartī, Ḥāmid al-'Aṭṭār and others. The most important of his teachers in the field of *ḥadīth* was 'Uthmān al-Dimyāṭī, although he learned *ḥadīths* from other masters as well, including al-Qāḍī Irtidā 'Alī Khān al-Hindī, Muḥammad b. Ḥusayn al-Ḥabashī al-Bā'alawī, and Yūsuf al-Ṣāwī. According to al-Kattānī, most of his chains of transmission go back to Egyptian scholars (1/390). He was initiated into the Bā'alawī Sufi *ṭarīqa* (order) by Muḥammad b. Ḥusayn al-Ḥabashī al-Bā'alawī, 'Umar b. 'Abd Allāh al-Jufrī al-Madanī and al-Sayyid 'Abd al-Raḥmān b. 'Alī al-Saqqāf al-Bā'alawī, and read the *Mukhtaṣar asānīd al-Bā'alawīyyīn* of 'Abd Allāh b. Aḥmad al-Bā'alawī al-Yamanī under



13 OCAK 1994

DAHLAN, Ahmed b. Zaynī? 84-961774  
Dahlān, Ahmad ibn Zaynī, 1816 or 17-1886.  
(Siraḥ al-Nabawiyah)  
السيرة النبوية / أحمد بن زيني دحلان -  
بيروت: الاهل، 1983.  
3 v. ; 25 cm.  
\$38.00 (U.S.)  
Classical biography of Muhammad.  
I&S-Islam.

MADE TAYINLANDIYAN  
SONRA GELEM OKUMAN

54 - 040032 DAHLAN Ahmed b. Zaynī  
- IBN AĞURRUM  
Dahlān (Ahmad ibn Zaynī)  
شرح مختصر جداً على متن الأخرى... لتلاوة السيد احمد  
زيني دحلان...  
بالعامية... مجلة الانتفاة... 1370-1371 (1950).  
21 p.  
"Ṣaḥḥ muḥtasar Ḥiddān 'ala maṭn al-āğurrūmi-  
ya", cote entree sur le livre de 'raḥa'irah  
d'Ibn Ağurrūm.  
In arabe.  
07 EKIM 1995

1706 NICHOLSON, R. A. An unknown  
biography of Muhammad entitled *Kitābu  
man Ṣabara Zafira*. Or. Stud. T. Nöldeke  
gewidmet I, 1906, pp. 23-32

es-Sire  
19 ARALIK 1992

3 SUBAT 1993

07 EKIM 1995  
MADE TAYINLANDIYAN  
SONRA GELEM OKUMAN

دحلان - احمد زيني « السيرة النبوية والاثار المحمدية » على هامش السيرة الخلية  
ج 2، بولاق 1292 هـ.  
DAHLAN, AHMED  
- SIYER  
- HALEBI

es-Sire,

Nebhani, Huccetullah, 254

1702 HOROVITZ, J. The earliest bio-  
graphies of the Prophet and their authors.  
IC I (1927), pp. 535-559; 2 (1928), pp.  
22-50, 164-182, 495-526

19 ARALIK 1992

es-Sire

29744  
NEB.H

1699 GUILLAUME, A. The biography  
of the Prophet in recent research. IQ I  
(1954), pp. 5-11

es-Sire

19 ARALIK 1992

1764

p. sire (Ahmed Zeytin Dahlan  
eseri c. v. 1304/1886)

19 MAYIS 2001  
MADDELERİNDEN BİRİKTAN  
SONRUKUNDA BİRİKTAN

## أحمد زين

١٣٤٥ - ١٤١٢ هـ

١٩٢٦ - ١٩٩١ م

اسمه : هو الأديب الكاتب أحمد زين .

مولده : ولد سنة ١٣٤٥ هـ - ١٩٢٦ م .

أعماله : عمل في المجال الصحفي منذ تخرجه من الجامعة الأمريكية (قسم صحافة) وأستمر في العمل الإعلامي الصحفي حتى أصبح مدير تحرير جريدة (الأخبار) وفي أواخر حياته عين رئيساً لتحرير جريدة «لواء الإسلام» .

مؤلفاته :

١ - حوار مع الشيخ الشعراوي .

٢ - إلى التي سألت أين الله .

٣ - ويسألونك عن الروح .

وفاته : توفي سنة ١٤١٢ هـ - ١٩٩١ م (١) .

(١) مجلة الفيصل العدد (١٨٠) شهر جمادي الآخرة عام ١٤١٢ هـ ص : ١٠ .

## أحمد زيني دحلان

١٢٣٢ - ١٣٠٤ هـ

١٨١٧ - ١٨٨٦ م

اسمه : هو المؤرخ الفقيه الشيخ أحمد بن زيني بن أحمد دحلان المكي

الشافعي .

مولده : ولد في مكة المكرمة سنة (١٢٣٢ هـ - ١٨١٧ م) ونشأ بها ، وتلقى العلم عن الشيخ محمد سعيد المقدسي ، والشيخ علي سرور والشيخ عبدالله سراج الحنفي ، والشيخ حامد العطار ، والشيخ محمد الكتبي وعنه أخذ الفقه الحنفي ، ويروى إجازاته عن المحدث الكزبري ، والشيخ عثمان الدمياطي ، والشيخ محمد بن حسين الحبشي الباعلوي (المكي) ومفتي المالكية أبي الفوز المرزوقي وغيرهم . . . ثم اشتغل بالتدريس . . . واستمر في طلب العلم حتى أصبح مفتي الشافعية في مكة المكرمة ، وفي أيامه أنشئت أول مطبعة بمكة ، فكان المترجم متولياً نظارتها ونشر فيها تأليف من قلمه . . . وكان فيه تصوف . . . ومن محاسن أعماله أنه كان يشجع الناس على تعلم العلم ، ويحث طلبية العلم على تعليم أهل البراري والقفار من أرض الشام والحجاز واليمن . وصار يذهب إليهم ، ويتردد عليهم ويرسل إليهم الرسل .

وكان بينه وبين علماء الدعوة السلفية في نجد مناقشات ومجادلات وهو من أشد المعارضين لها (١) غفر الله له . وكان مؤمناً على الدرس خصوصاً الحديث ، حتى قالوا صار البخاري عنده ضرورياً كالفاتحة .

وصفه العلامة المحدث الكتاني في فهرس الفهارس بقوله : العلامة المشارك الصالح ، أحد من نفع الله به الإسلام في الزمن الأخير في تلك الربوع العربية .

مؤلفاته :

١ - الأزهار الزينية في شرح الألفية .

٢ - أسنى المطالب في نجاة أبي طالب .

٣ - تاريخ الدول الإسلامية بالجدول المرضية .

٤ - تقريب الأصول لتسهيل الوصول لمعرفة الرب والرسول .

٥ - تنبيه الغافلين مختصر منهاج العابدين .

٦ - خلاصة الكلام في بيان أمراء البلد الحرام .

٧ - الدرر السنية في الرد على الوهابية .

٨ - رسالة جواز التوسل .

٩ - رسالة في ذكر ما ورد في وعد الصلاة ووعيدها .

(١) انظر كتابنا : اتهامات كاذبة (الجزء الأول) ص : ١٥٥ .

- ١٠ - رسالة في الرد على الشيخ سليمان أفندي في الفقه الشافعي .
- ١١ - رسالة في كيفية المناظرة مع الشيعة والرد عليهم .
- ١٢ - رسالة في معنى قوله تعالى : ﴿ ما أصابك من حسنة فمن الله ﴾ .

١٣ - رسالة النصر في ذكر وقت صلاة العصر .

١٤ - السيرة النبوية والآثار المحمدية (جزءان) .

١٥ - شرح الأجرومية .

١٦ - فتح الجواد على العقيدة المسماة بفيض الرحمن .

١٧ - الفتح المبين في فضائل الخلفاء الراشدين وأهل البيت الطاهرين .

١٨ - الفتوحات الإسلامية بعد مضي الفتوحات النبوية .

١٩ - مجموع يشتمل على ثلاث رسائل :

١ - رسالة في الجبر والمقابلة .

٢ - رسالة في الوضع .

٣ - رسالة في المقولات .

٢٠ - منهل العطشان على فتح الرحمن في تجويد القرآن وغيرها ،

وكتبه سارت بها الركبان .

31 AUG 2007

## ■ ابن زيني دحلان (أحمد -)

(١٢٣٢ - ١٣٠٤هـ/١٨١٧ - ١٨٨٦م)

أحمد ابن زيني دحلان المفتي الفقيه، المؤرخ، ولد في مكة المكرمة، ونشأ وتعلم في مدارسها، فحفظ القرآن الكريم، وأخذ عن نضر من علمائها المعروفين وقتذاك، وبعد حصوله على عدد من الإجازات العلمية منهم، تولى منصب الإفتاء، وشيخ العلماء في مكة المكرمة عام ١٢٨٨ هـ / ١٨٧١ م، إضافة إلى التدريس فيها. اضطر لمغادرة مكة مرافقاً الشريف الأكبر عون إلى المدينة المنورة، إثر خلافه مع عثمان باشا في عام ١٣٠٤هـ/ ١٨٨٦م، وهناك وافاه الأجل بعد قدومه إليها بأقل من عام. شهد إبان وجوده بمكة المكرمة ظهور أول مطبعة حديثة، فاستفاد منها في طباعة بعض من كتبه. برع في العديد من الميادين العلمية والفكرية، باحثاً، ومدرساً، ومؤلفاً، ولم تقتصر جهوده على فن بعينه، أو مجال من المجالات العلمية بذاته، فكان له مؤلفات تعنى بعلوم المسلمين القديمة، وأخرى بالتاريخ العربي الإسلامي، أو المعاصر له، وفتاوى في المشكلات التي كانت تطرح عليه في حلقات التدريس أو خارجها. نشرت مؤلفاته كافة في القاهرة، في حين نشر بعضها في المدينتين معاً: القاهرة ومكة المكرمة، ومن تلك المؤلفات:

- «رسالة في المنطق»، كتبها أثناء وجوده في المدينة المنورة عام ١٢٨٧هـ/ ١٨٦١م، وقد طبعت في القاهرة عام ١٢٩٢ هـ مع رسالتين أخريين، «الدول الإسلامية بالجدول المرضية»، ويقال له في بعض المصادر «الدول المرضية في تاريخ الدول الإسلامية»، طبع الكتاب في القاهرة عام ١٣٠٦ هـ، أي بعد وفاته، وقد نهج في تأليفه لهذا الكتاب

منهجاً جديداً، فهو لم يتبع منهج المؤرخين القدامى الذين وضعوا مؤلفاتهم على طريقة الحوليات، وإنما كان يتناول تاريخ كل دولة من الدول الإسلامية، وحتى ينهي حديثه عنها، ثم يتكلم على دولة أخرى وهكذا دواليك، وقد أبتدأ تاريخه بالحديث عن العهد النبوي الشريف، ثم بالحديث عن الخلفاء في العهد الراشدي، وما تلاهم حتى زمانه، «خلاصة الكلام في أمراء البلد الحرام»، تحدث في كتابه هذا عن تاريخ الحجاز منذ عهد النبي محمد بن عبد الله صلى الله عليه وسلم، حتى آخر القرن الثالث عشر الهجري، يعد جزء من كتاب دحلان هذا بمنزلة مختصر للكتاب الذي وضعه السنجاري عام ١٠٩٥ هـ / ١٦٨٤ م، عن الحجاز، ولكن كتاب دحلان يختلف عنه بكونه كتاباً أصيلاً فيما يخص الفترة التي يتناولها عن الحجاز إبان القرنين الأخيرين، كونه من المعاصرين لقسم من هذه الفترة التي يتحدث عنها، أو لديه بعض الوثائق القريبة العهد بالفترة الجارية الحديث عنها، ومن الجدير بالذكر، أن هذا الكتاب يعد واحداً من أفضل الكتب التي تمت كتابتها في هذه الحقبة، ويشار في الوقت نفسه، إلى أنه يعد تمةً للكتاب الذي وضعه المستشرق فستنفلد عن أخبار مكة. وقد طبع الكتاب في القاهرة عام ١٣٠٥ هـ، وطبع للمرة الثانية في مكة المكرمة عام ١٣١١ هـ.

- كتاب «السيرة النبوية» كتبها المؤلف عام ١٢٧٨ هـ، في أثناء وجوده في مكة المكرمة، وقد طبعت بالقاهرة عام ١٢٩٢ هـ، واشتهرت هذه السيرة باسم السيرة الدحلانية، وذلك تمييزاً

من السيرة الحلبية التي طبعت على هامشها.

- كتاب «الفتوحات الإسلامية»، يعد كتاباً في التاريخ السياسي للإسلام، وقد تحدث فيه عن ظهور الرسالة الإسلامية ثم الفتوحات التي تمت في العهود التالية، وقد طبع الكتاب في مكة قبل وفاته بعام واحد، ثم أعادت دار البشائر وصدرت طباعته في جزأين في العام ١٩٩٠م.

- كتاب «الفتح المبين في فضائل الخلفاء الراشدين وأهل البيت الطاهرين»، ويعد هذا الكتاب من أفضل الكتب المختصرة التي تناولت تاريخ القرن الهجري الأول، وخاصة من حيث تناوله لموضوع شرعية حكم الخلفاء الراشدين، طبع الكتاب في القاهرة عام ١٣٠٢ هـ، وله أيضاً الدرر السنية، وهو رسالة كتبها المؤلف في الرد على الوهابية، وطبع بالقاهرة عام ١٢٩٩ هـ، رسالة في الرد على سليمان أفندي، وهو متصوف من الشرق الأقصى كان يعيش في مكة المكرمة.

- «صيغ صلوات»، وهي نماذج من الصلوات التي كان يقوم بها عدد من العلماء و كانت تتخذ نموذجاً للأخريين، منهم الشيخ عبد القادر بن موسى الجيلاني (ت ٥٦١هـ) وغيره، وقد طبعت في بولاق عام ١٢٩٢ هـ، تنبيه الغافلين، وهو عبارة عن مختصر لكتاب منهج العابدين الذي وضعه الإمام أبو حامد الغزالي، وقد طبع هذا الكتاب في القاهرة عام ١٢٩٨ هـ.

- «شرح الأجرومية» وغيرها من الرسائل والكتب في العقائد والدين والتاريخ.

وهكذا يتبين أن دحلان لم يكن فقيهاً محدثاً، وعالم دين فقط، وإنما

الأسر والأشخاص، 319 - 321؛ • نصار، حسين، المعجم العربي - نشأته وتطوره، 636 - 638؛ • ياغي، هاشم، النقد الأدبي الحديث في لبنان، 1/ 26 - 40؛ • قاسم، رياض زكي، اتجاهات البحث اللغوي الحديث في العالم العربي، 1/ 221 - 231، 322 - 323؛ • كشلي، حكمت، المعجم العربي في لبنان، 111 - 113؛ • عمائرية، حفناوي، الصحافة وتجديد الثقافة، تونس في القرن التاسع عشر، المعهد الوطني للتراث، الدار التونسية للنشر، تونس 1994م؛ فجر التنوير العربي الحديث، تونس نقوش عربية،

1997م؛ • الدحداح، سليم خطار، الكونت رشيد الدحداح وأسرته، المشرق 1901م، الأعداد 9، 10، 11؛ • المطوي، محمد الهادي، أحمد فارس الشدياق، حياته وآثاره وآراؤه في النهضة العربية الحديثة، قسمان، دار الغرب الإسلامي، 1989م.

د. حفناوي عمائرية

الجامعة التونسية

د. رياض قاسم

الجامعة اللبنانية

دحلان، أبو العباس أحمد بن زيني

(1231هـ/1816م - 1304هـ/1886م)

**أبو** العباس أحمد بن زيني بن أحمد دحلان المكي الشافعي، فقيه، مؤرخ، مشارك في أنواع من العلوم ومفتي الشافعية بمكة [كحالة، معجم المؤلفين، 1/ 229] وهو أحد من نفع الله به الإسلام في الزمن الأخير في تلك الربوع العربية. ولد بمكة سنة 1231هـ. ونشأ بها وتلقى العلم عن شيوخ بلده منهم محمد بن حسين الحبيشي الباعلوي المكي، ويوسف الصاوي، ومفتي المالكية أبي الفوز المرزوقي، والشيخ عثمان الدمياطي وهو عمدته كما أخذ عن أعلام وافدين على بلده منهم: محمد سعيد المقدسي، وبشرى الجبرتي، والشيخ حامد العطار وغيرهم، وكان أكثر اعتماده على أسانيد المصريين وأبائهم.

روى عنه كثير من أهل العلم منهم أبو العلاء إدريس ابن عبد الهادي العلوي الفاسي، وأبو العباس أحمد ابن محمد البناني، والشيخ محمد الطيب النيفر

التونسي، والشيخ المكي بن عزوز وغيرهم من المغاربة والسيد حسين الحبيشي الباعلوي المكي، والسيد عمر شطا المكي، والشيخ أحمد بن عثمان العطار المكي، والنور علي بن ظاهر المدني الحنفي، والشهاب البرزنجي وغيرهم من الحجازيين، ومحمد المرغني الإسكندري ومحمد ابن إبراهيم السقا ومحمد شريف الدمياطي وغيرهم من المصريين والشهاب أحمد بن حسن العطاس وغيره من اليمنيين، وأحمد رضا خان، والسيد أبو بكر الباعلوي وغيرهما من الهنديين.

كل هؤلاء أجازوا الشيخ عبد الحي الكتاني عامة حسب إجازة دحلان لهم وقد أفرد ترجمته بالتأليف تلميذه السيد أبو بكر شطا الدمياطي المكي برسالة مطبوعة سماها «نقحة الرحمن في مناقب شيخنا سيدي أحمد دحلان» [الكتاني، فهرس الفهارس والأبواب، 1/ 390].

تولى الإفتاء للشافعيين بالحاضرة الحجازية واشتغل بالعلوم والتدريس، وكان يشجع الناس على طلب العلم ويحث طلبته على تعليم أهل البراري والقفار من أهل الشام والحجاز واليمن، ثم صار يذهب إليهم، ويتردد عليهم ويرسل إليهم الرسل، وفي أيامه أنشئت أول مطبعة بمكة، فكان المترجم متولياً نظارتها ونشر فيها تأليف من قلمه غير التي طبعت في القاهرة [سركيس، معجم المطبوعات، ص 990].

وكانت وفاته بالمدينة المنورة في محرم من سنة أربع وثلاثمائة وألف.

### أثره

كانت حياته حافلة بالإفتاء والتدريس والتأليف، فقد ترك آثاراً كثيرة في علوم متعددة أوصلها مجاهد إلى عشرين تأليفاً في كتابه [الأعلام الشرقية، 1/ 265] منها:

1 - السيرة النبوية والآثار المحمدية، في جزأين، وهي مشهورة وطبعت مرارا بمكة ومصر، ووقع عليها الإقبال، كتبها صاحبها بالمدينة المنورة سنة ثمان وسبعين بعد المائتين والألف واقتبسها من «الشفاء في حقوق المصطفى» للقاضي عياض، و«المواهب اللدنية» للقسطلاني، و«شرحها» للزرقاني، ومن كتب السيرة، كسيرة ابن هشام، وسيرة ابن سيد الناس، والسيرة الشامية، والسيرة الحلبية، وابتدأ كتابه بذكر فضل هذا العلم وأول من ألف فيه ثم تطرق لبيان فضل قريش وسائر العرب ثم خلص لذكر نسب النبي ﷺ وشمائله وبعثته ومن آمن به وهجرته ومغازيه، وذكر وفود العرب التي جاءت تعلن الإسلام بين يديه وكتبه ﷺ إلى الملوك والأمراء ومعجزاته وكمال خلقه وخلقه وختمه بذكر وفاته؛ 2 - الفتح المبين في فضائل الخلفاء الراشدين وأهل البيت الطاهرين، مطبوع بهامش كتابه «السيرة النبوية»، قال في المقدمة: «هذه نبذة يسيرة جمعت فيها شيئاً من الفضائل الواردة في حق أصحاب

النبي ﷺ وخلفائه الراشدين وختمتها بذكر فضائل أهل البيت الطاهرين»؛ 3 - تاريخ الدول الإسلامية بالجدول المرضية، مطبوع في مجلد سنة 1306هـ. قال في المقدمة: «سألني من لا تسعني مخالفته أن أجمع تاريخاً مختصراً يكون كالفهرست لتلك التواريخ يستحضر به الناظر فيه ما في تلك التواريخ إجمالاً، كما سأله أن يذكر مبدأ كل دولة وكيفية منشئها وسبب حدودها بالنسبة لبعض الدول التي لم تشتهر عند كثير من الناس»، ويحتوي الكتاب على عشرة أبواب، الأول ذكر فيه النبي ﷺ ومن بعده من الخلفاء إلى انتهاء خلافة ابن الزبير، الثاني في ذكر دولة بني العباس... وجعل الباب العاشر في ذكر ملوك الأندلس والمغرب؛ 4 - الدرر السنية في الرد على الوهابية، مطبوع، وهو كتيب في أربع وخمسين صفحة، قال في مقدمته: «سألني من لا تسعني مخالفته أن أجمع له ما تمسك به أهل السنة في زيارة النبي ﷺ والتوسل به من الدلائل والحجج القوية من الآيات والأحاديث النبوية، وما ورد في ذلك عن السلف والعلماء والأئمة المجتهدين ليكون ذلك مبطلاً إنكار المنكرين فجمعت له هذه الرسالة من كتب كثيرة واختصرتها غاية الاختصار، اعتماداً على ما هو مبسوط في كتب العلماء الأخيار...»، وفي الرسالة رد شديد للهجة على محمد بن عبد الوهاب النجدي الذي ينكر التوسل؛ 5 - النصر في ذكر وقت صلاة العصر، وهي رسالة مطبوعة في 14 ورقة في آخر كتاب «الدرر السنية»، وسبب تأليفه لهذه الرسالة القصيرة أن أحد متساكني مكة المكرمة أرسل إليه يستفتيه في أمير الحاكم الشرعي في البلد الحرام الذي أمر بأداء صلاة العصر في وقت العصر الثاني وهو مصير الظل مثليه ومنع من أداها جماعة في وقت العصر الأول وهو مصير الظل مثله بعد ظل الاستواء وحكم بذلك، هل يكون حكمه واجب الاتباع ولا تجوز مخالفته

## آداب البحث

ويسمى أيضاً رسالة الاستعارات والرسالة السمرقندية والرسالة الترشيفية

لأبي القاسم بن أبي بكر الليثي السمرقندي المتوفى سنة ٨٨٨ هـ . (الأعلام ٥ : ١٧٣) أولها :  
الحمد لوهاب العطية والصلاة والسلام على خير البرية الخ . خ ضمن مجموعة بالمكتبة الأزهرية برقم  
٢٠٢٠ ونسخ أخرى بمكتبات العالم طبع بالاسنانه سنة ١٢٧٤ هـ ضمن مجموعة من صفحة ٥٢ إلى  
٦٥ وطبع بمصر سنة ١٣٠٦ هـ بمطبعة السيد علي وطبع بالجزائر سنة ١٩٠٥ م وتكررت طبعاته .

\*\*\*

● غاية الإرادات من تحقيق الاستعارات لعصام  
أوله : الحمد لله الموصوف على الحقيقة  
بالكمال فرغ من تأليفه سنة ١١٤١ هـ خ  
سنة ١٢٠٢ ضمن مجموعة بالمكتبة الأزهرية  
برقم ٢٩٣ هـ وأخرى برقم ١٢٢٥ بدار  
الكتب المصرية برقم ١٢١ .

علي بن صدر الدين إسماعيل بن عصام الدين  
إبراهيم بن محمد بن عرب شاه الإسفراييني  
المعروف بحفيد العصام المتوفى سنة ١٠٠٧  
(خلاصة الأثر ٣ : ١٤٧ ، هدية العارفين ١ :  
٧٥١) .

● حاشية حفيد العصام على شرح جده عصام  
الدين على السمرقندية  
أولها : أحمدك حمد مسترشد الخ فرغ من  
تأليفها سنة ٩٩٩ خ سنة ١١٣٢ هـ بدار  
الكتب المصرية برقم ٨٧ وأخرى برقم ٢٣٠  
ونسخ أخرى .

● وعلى هذه الحاشية تقارير وحواش  
منها حاشية :

الشيخ برهان الدين إبراهيم بن محمد بن عيسى

عصام الدين إبراهيم بن محمد بن عرشاه  
الإسفراييني السمرقندي المتوفى سنة ٩٥١ هـ  
(شذرات الذهب ٨ : ٢٩١ ، الأعلام ١ : ٦٦ ،  
كحالة ٨ : ١٠١) .

شرح العصام على السمرقندية

ويسمى أيضاً فرائد الفوائد وهو أشهر  
شروح السمرقندية وعرفت تلك الرسالة  
بهذا الشرح فيقال العصام على السمرقندية  
وقد تلقاها العلماء بالقبول وأدرجت في  
التون التي يدرسها الطلبة . أولها : إن أحسن  
ما تزد به النعم الوفية وتدفع به البلية في  
البكر والعشية الخ خ في ٤٨ ورقة بالمكتبة  
الأزهرية برقم ٧٢١ ونسخ أخرى في  
مكتبات العالم طبع باستانبول سنة ١٢٧٠  
وتونس سنة ١٢٨٣ (سركيس : ١٣٣١ ،  
صالحية ١ : ٦٥) .

وعليه من الحواشي جملة وافرة نذكر منها :

شمس الدين محمد بن محمد الدلجي العثماني  
المتوفى سنة ٩٤٧ هـ (الكواكب السائرة ٢ :  
٦ ، وشذرات الذهب ٨ : ٢٧٠ ، الأعلام  
٧ : ٥٧) .

- Demulandi Abi al-Kasim  
- Ibn Arabi Sah 61  
- Ibn Asur Mukhalafat 65  
- Demen huri 69  
- Bacuri 70  
- Dahlan Ahmet Feyzi 70  
- Ibn Allan 71  
-

الأصاري الشافعي المتوفى سنة ٩٧٣هـ  
(سبق).

— فتح الرحمن شرح زيد ابن رسلان

أوله: الحمد لله الذي بعث محمداً صلى  
الله عليه وسلم رحمة للأنام النخ  
الأزهرية (١١٠) ١١٥٥ وأخرى بنفس  
المكتبة (١٠٩) ١١٥٤ وثالثة (٩١٧)  
٧٨٧٨ (المكتبة نفسها) ودار الكتب

المصرية ١٩٨ والظاهرية ٣٤٠ فقه شافعي  
والقادرية ٤٦٥ ونسخ أخرى في أكثر  
مكتبات العالم إذ هو أشهر شروح الزيد.  
وعلى هذا الشرح مختصر:

علي بن محمد العقيلي التعزي اليميني المتوفى  
سنة ١٠٠١هـ (سبق).

\* مختصر فتح الرحمن (مصادر الفكر  
العربي الإسلامي في اليمن: ٢٣٤).

شهاب الدين أحمد بن حجازي الفشني المتوفى  
سنة ٩٧٨هـ (سركيس: ١٤٥٣).

— مواهب الصمد في حل ألفاظ الزيد

خ أصفية ١: ١٠٦٤/٢ وأوقاف بغداد  
١٧٥٣٨ وأوقاف السلمانية ٨/٧٤ طبع  
بمصر سنة ١٣١١هـ وسنة ١٣٢٧هـ  
وتكررت طبعاته.

محمد بن أحمد بن أحمد بن حمزة الأنصاري  
الرملي المتوفى سنة ١٠٠٤هـ (خلاصة الأثر

٣: ٣٤٣، وهدية العارفين ٢: ٢٦١).

— غاية البيان في شرح زيد ابن رسلان

أوله: الحمد لله الذي أظهر زيد دينه  
القويم الخخ الأزهرية (٦٧٦) ٥٢٣٥.

وأخرى برقم (٢٦٩) حسونة ١٢٨٦٢  
وثالثة بدار الكتب المصرية ١٨٣ والظاهرية-  
٢٢٧٩ (٣٤٢) فقه شافعي ونسخ أخرى  
طبع بمصر سنة ١٢٩١هـ وسنة  
١٣٠٥هـ (سركيس: ٩٥٢).

✓ محمد بن علي بن علان المكي المتوفى سنة  
١٠٥٨هـ (سبق).

— شرح الزيد (نشر النور: ٤٦٧)

محمد بن زياد الوضاحي الشرعي اليميني  
المتوفى سنة ١١٣٥هـ (نشر العرف ٢: ٦٥١)  
ومصادر الفكر العربي الإسلامي: ٣٤  
(٢٢٦).

— فتح الصمد في شرح ألفاظ الزيد

خ رامبور ١: ٢٢٩، وجامع صنعاء ٥٩  
وأخرى بنفس المكتبة ٤٤٥ ورابعة بر  
٣٧٨ (المكتبة السابقة).

يوسف بن محمد الأهدل البطاح المتوفى  
١٢٤٦هـ (هدية العارفين ٢: ٢٧٠، نيل ال

٢: ٤٢٤، كحالة ١٣: ٣٣٣، مصادر ال  
العربي الإسلامي: ٢٤١).

— فيض المنان بشرح زيد ابن رسلان  
خ حضرموت.

محمد بن علي بن محسن الحبيشي  
المعروف بالمتي (القرن الثالث عشر).

— فتح المنان بشرح زيد ابن رسلان

خ جامعة العين وجامع صنعاء ٨٧  
في بيروت بتحقيق جامع هذا الكتا

— Remli Ahmed b. Hüseyin

— Ibn Ebu Serif Kemaladdin

— Remli Semseddin 1008

— Ibn Allan 1008

— Dohlan Ahmet Zeyni 1009

## الزبد

## صفوة الزيد

✓ لشهاب الدين أبي العباس أحمد بن الحسين بن الحسن بن علي بن يوسف بن علي بن رسلان  
الرملي الشافعي المتوفى سنة ٨٤٤هـ (الضوء اللامع ١: ٢٨٢، الأنس الجليل ٢: ٥١٥،  
شذرات الذهب ٧: ٢٤٨، وسبق في عدة مواضع) منظومة مشهورة في الفقه الشافعي نظم  
فيها كتاب الزيد للبارزي السابق الذكر أولها:

محمد بن علي بن الحسين بن الحسن بن علي بن يوسف بن علي بن رسلان  
الرملي الشافعي المتوفى سنة ٨٤٤هـ (الضوء اللامع ١: ٢٨٢، الأنس الجليل ٢: ٥١٥،  
شذرات الذهب ٧: ٢٤٨، وسبق في عدة مواضع) منظومة مشهورة في الفقه الشافعي نظم  
فيها كتاب الزيد للبارزي السابق الذكر أولها:

الحمد لله ذي الجلال  
خ برلين ١٨٧٣ والمتحف البريطاني ١٢٣٤، والفاتيكان فيدا: ١٠٨٢، وليدن ١٨٩٨ طبع بمصر سنة  
١٢٨٥هـ وسنة ١٣٤٧هـ ويومباي سنة ١٣١٢هـ ومكة سنة ١٣١٦هـ وتكررت طبعاته.

— شرح الزيد  
(هدية العارفين ٢: ٢٢٢).

محمد بن محمد بن أبي شريف المقدسي المتوفى  
سنة ٩٠٦هـ (سبق).

— فتح الصمد بشرح صفوة الزيد  
أوله: الحمد لله الذي تعرف للصفوة من  
خلقه فعرفوه بغير مثال الخخ سنة  
١٠٩٨هـ بالمكتبة الأزهرية (١٠١٣)  
٨٧٠٦ ودار الكتب المصرية ١٤٣.

شهاب الدين أحمد بن أحمد بن الحسن الرملي

مسلم

الجامع الصحيح، صحيح مسلم

للإمام الحافظ أبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري المتوفى سنة ٢٦١ هـ (الفهرست لابن النديم: ٢٣١، تاريخ بغداد ١٣: ١٠٠، وفيات الأعيان ٢: ١١٩ ط بولاق، تذكرة الحفاظ للذهبي: ٥٨٨، امرأة الجنان ٢: ١٧٤، شذرات الذهب ٢: ١٤٤ وغيره) قال في كشف الظنون: ٥٥٥: هو الثاني من الكتب الستة وأحد الصحيحين اللذين هما أصح الكتب بعد كتاب الله العزيز. انظر الكلام عليه بتوسع في الكتاب المذكور وغيره من كتب الحديث المعروفة، مخطوطاته في سائر مكتبات العالم وللإطلاع عليها انظر الفهرس الشامل (حديث) ٥٧٤-٥٩٤ ومن طبعاته كلكتا سنة ١٢٦٥ هـ وبولاق سنة ١٢٩٠ هـ ودهلي سنة ١٣١٩ هـ والأستانة سنة ١٣٢٠ هـ ومصر سنة ١٣٢٧ هـ وبولاق مصر سنة ١٣١٩ هـ والأستانة المطبعة العامرة سنة ١٣٣٤ هـ وبولاق سنة ١٣٤٤ هـ والخلبي سنة ١٣٤٨ هـ والخلبي أيضاً بتحقيق فؤاد عبد الباقي سنة ١٣٧٥ هـ وطبعات أخرى في بيروت (مصورة) انظر (معجم ما طبع من كتب السنة لمصطفى عمار ملا: ١٠١).

\*\*\*

أبو بكر محمد بن محمد بن رجاء بن السندي الأسفرائيني المتوفى سنة ٢٨٦ هـ (سير أعلام النبلاء ١٢: ٥٦٩، تذكرة الحفاظ ٢: ٢٣٠).  
- المستخرج على صحيح مسلم (كشف الظنون: ٥٥٦).

- Cami's-Sahih-1
- muslim
- Ebu Cafer et Hirri 1672
- Seras Muh. L. Ishale 1673
- Ebu Avane et-iffarayini 1673
- Kasim b. Esbaq 1673
- ibnū't- Ashrem 1673
- Ebu'n- Nar et-Tusi 1673
- Ebū't- Velid- et-ameur 1673
- Masercisi Ebu Ali 1674
- Ebu's- Seyh 1674
- Darul kutni 1674
- Cevgali 1675
- Halef et- Vaziti 1675
- Halcin en- Misabursi 1675
- Zenebi 1675
- Iraki Zeynuddin 1675
- Serahsi ismail bi Ibrahim 1675
- Talekari 1676
- Ibn Mercuys 1676
- Ebu Na'ym et-Isfahani 1676
- Humaydi Muh. Futuh et-Edrisi 1676
- Hasan b. Hater 1677
- Ziya eddin el-Maledisi 1677
- Ibnū't- Kayserani 1678
- Ibn Mende Ebu Zekeriyya 1678
- Ibn Nuh et- Sankirini 1678

- ibn Tumor 1678
- Abdalgafr et-Farisi 1678
- Teymi 1678
- Cugckari 1678
- Majari 1678
- ibnū't- Arabi 1679
- Kadi iyaz 1679
- Ibn Kurkum 1679
- Ibn Hayr 1679
- ibnū't- harrat 1679-٨٥
- ibnū't- Cevgi Ebu't- Foc 1680
- Aemana'li 1680
- Mevili Omur b. Bed 1680
- Ibn Hal fan 1680
- ibnū't- Rumayy 1680
- Ziyaeddin el-Maledisi 1680
- Ibn Salah es- Sahregeri 1680
- Sogani Kadyy 1682
- Hilati 1682
- Sib'at ibnū't- Cevgi 1682
- Kurkubi Ahmed b. Omir 1682
- Mangiri 1683
- Ibn Abdūlhadi Sems 1683
- Resid et- AHar 1683
- Mevevi 1684
- Ibn Ruzayd 1684
- ibnū't- Sat 1684
- Calbert 1684
- Ibn Cigay 1684
- Ida b. Mlesid 1685
- Zehabi 1685
- Ibnū'd- dareq hrm 1685

- Beirut: 1686
- ibnū't- Mulaikin 1686
- Iraki Zeynuddin 1686
- Senusi Muh. b. Yusuf 1686
- Herevi Muh. b. Mfaullah 1686
- ibnū't- Kirmani 1687
- Ibn Hatibū'd- Dehze 1687
- Sib'at ibnū't- Acemi 1687
- Ibn Nasrullah 1687
- Ibn Hacer et- Ashkabi 1688
- Ebu Ser et- Halebi 1688
- Amiri Yahya b. E. 1688
- Schavi Sems 1688
- Suyuti 1688
- Kastallani Ahm. b. Muh. 1688
- Zekeriyya et- Enyasi 1688
- Muayyisi 1688
- Munufi 1689
- ibnū't- Barrah 1690
- Alret Kabir 1690
- Gülebruan Papir Ef. 1691
- Sindi Atti. Abdil Hadif 1691
- Ablusi Abdalgafr 1691
- Yusufefendyade 1691
- Ibn Sude 1691
- Dahan Ahmed Zeyni 1691
- Kavukci 1693
- Ebeys 1693
- Dimnati 1693
- Gergih Res. Ahm 1694
- Agmabach 1694
- Yusuf en- Nebhani 1694
- Vaki derzaman Muh. 1694

167 MAYIS 2005

خ دار الكتب المصرية (طلعت): ١٣٥.  
عبد الرحمن التفرغرتي المتوفى سنة ١٢٧٦ هـ (تراث المغاربة: ٢٤٨)  
\* مختصر شرح صحيح مسلم.  
صبغة الله بن محمد غوث الشافعي المدرسي المتوفى سنة ١٢٨٠ هـ (نزهة الخواطر ٧: ٢٢٤، معارف العوارف: ١٥٢).  
- شرح مسلم.  
أحمد بن علي بن حسين بن مشرف الوهبي التميمي المالكي المتوفى سنة ١٢٨٥ هـ (الأعلام: ١: ١٨٢).  
- اختصار صحيح مسلم.  
محمد بن مصطفى التوقادي (القرن الثالث عشر).  
١- مفتاح الصحيحين البخاري ومسلم طبع الأستانة ١٣١٣ هـ.  
٢- مفتاح صحيح مسلم طبع الأستانة ١٣١٣ هـ (سركيس: ٦٤٨).  
حسن بن آغيد الزيدي الموريتاني (القرن الرابع عشر).  
- منظومة في ضبط المشتبه من رجال الصحيحين  
خ موريتانيا سنة ١٣٥٧ هـ ٣٦٦ (الفهرس الشامل: ١٦٠٩).  
أحمد زيني دحلان المتوفى سنة ١٣٠٤ هـ (سبق).

معارف العوارف (١٥٢).  
- شرح مسلم.  
أبو الفيض محمد بن محمد بن محمد بن عبد الرزاق مرقضى الزبيدي المتوفى سنة ١٢٠٥ هـ (سبق في الأحياء وغيره).  
- غاية الابتهاج لمقتضى أسانيد كتاب مسلم بن الحجاج  
خ دار الكتب المصرية ١١ والتيمورية ١٤١ (الفهرس الشامل (حديث): ١١٢٥).  
محمد التاودي بن الطالب ابن سعوده المري القاسي المتوفى ١٢٠٩ هـ (سبق).  
- تعليق على صحيح مسلم (تراث المغاربة: ١٠٧).  
فاطمة بنت حمد الفضيلي الزيرية المتوفاة سنة ١٢٤٧ هـ (نشر النور والزهر ٢: ٣٣٨ (السحب الوابلة ٣: ١٢٢٧)).  
- شرح صحيح مسلم (معجم مصنفات الخابلية: ٦٩: ٦).  
ولي الله بن أحمد بن علي الحسيني القرخي آبادي المتوفى سنة ١٢٤٩ هـ (نزهة الخواطر ٧: ٥٤١، معارف العوارف: ١٥٢).  
- المطر الثجاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج.  
كرامي زاده السيد عبد الحميد نزيل الأستانة المتوفى سنة ١٢٥٥ هـ.  
- نضحات المسك والخزام فيما يتربط في لفظ شرطي البخاري ومسلم من الأحكام



quérant et libérateur musulman, Aḥmad Grañ, contre les Portugais, aboutit, après un succès temporaire et la nomination du successeur d'Aḥmad Ismā'īl au poste de gouverneur de Harkiko, à une seconde dévastation et à une évacuation en masse des insulaires. Réoccupées, les îles tombèrent facilement, à la fin du siècle, aux mains de la flotte turque, et, par la suite, leur destinée fut d'être sous une suzeraineté turque rarement affirmée, sous la dépendance effective ou nominale de Muṣawwā', et temporairement sous celle du gouvernement égyptien, dans la seconde moitié du XIII<sup>e</sup>/XIX<sup>e</sup> siècle. Quand les Italiens colonisèrent l'Érythrée en 1885, les îles Dahlak avaient depuis longtemps cessé de présenter le moindre intérêt. Elles devinrent une vice-résidence, dont le siège était à Nokra, dans le Commissariato du Bassopiano Orientale. Ce régime fut aboli, en tant qu'unité administrative distincte, lors de l'occupation de l'Érythrée par les Anglais (1941-52) et de celle de l'Éthiopie à partir de 1952.

*Bibliographie* : C. Conti Rossini, *Storia d'Etiopia*, Milan 1928, I; Issel, *Viaggio nel Mar Rosso*, Milan 1889; R. Basset, *Les inscriptions de l'île de Dahlak*, dans *JA*, Paris 1893; A. Pollera, *Le Popolazioni indigene dell'Eritrea*, Bologne 1935; G. Wiet, *Roitelets de Dahlak*, dans *BIÉ*, 1952, 89-95. (S. H. LONGRIGG)

DAHLĀN, SAYYID AḤMAD B. ZAYNĪ, né à la Mekke vers le début du XIX<sup>e</sup> siècle, fut, à partir de 1288/1871, *mufti* des Shāfi'ites et *shaykh al-'ulamā'* (chef de la corporation des savants, donc du corps des professeurs dans le *Haram*) de sa ville natale. Lorsque le grand *sharīf* 'Awn al-Rafīq, à cause d'un différend avec le gouverneur ottoman 'Uḥmān Pasha, se rendit à Médine, Daḥlān le suivit, mais mourut peu après des suites de la fatigue du voyage, en 1304/1886. Surtout dans ses dernières années, Daḥlān fut un auteur très prolifique : il ne se borna pas aux sciences islamiques traditionnelles, qui étaient étudiées à la Mekke de son temps, mais produisit un certain nombre de traités sur des questions de controverses topiques, et devint le seul représentant de l'historiographie à la Mekke au XIX<sup>e</sup> siècle. Les œuvres qui eurent le plus de succès, parmi celles qui traitent de sujets traditionnels, furent un commentaire de l'*Ādjurrūmiyya* [voir Ibn Āḍurrūm] et une biographie édifiante du Prophète, *al-Sira al-zaymiyya*, toutes deux souvent éditées. Ses *al-Durar al-saniyya fi l-raḍd 'alā l-Wahhābiyya* provoqua une série de controverses pro- et anti-wahhābites. Sa polémique contre Sulaymān Efendi, l'un des deux *shaykhs* turcs rivaux de la *ṭarīka naqshibandiyya* de la Mekke, qui briguaient la direction des Naqshibandis en Indonésie, et contre le savant *shaykh* Muḥammad Ḥasab Allāh de la Mekke, dont la réputation d'érudition égalait la sienne, n'était pas exempte d'intérêt personnel. Parmi ses œuvres historiques, *al-Futūḥāt al-islāmiyya*, histoire des conquêtes islamiques jusqu'à l'époque de l'auteur, est remarquable par la lumière qu'elle projette sur son attitude vis-à-vis du Mahdisme qui se développait à l'époque au Soudan, et son histoire de la Mekke, *Khulāṣat al-kalām fi bayān umarā' al-balad al-ḥarām*, jusqu'en 1095/1684, court extrait de la chronique d'al-Sindjārī (Brockelmann, II, 502), est une des sources de la plus grande valeur pour les événements qui se sont déroulés à la Mekke durant les deux siècles suivants, notamment l'essor des Wahhābites, leur première domination sur le Ḥiǧāz, la lutte des *sharīfs* contre eux, le rétablissement de la souveraineté ottomane par Muḥammad 'Alī, et les désordres de Djidda de 1274/1858. Ami de la

famille des *sharīfs* régnants, Daḥlān avait accès aux meilleures sources d'information, tant orales qu'écrites. La délivrance de *fatwās* représentait naturellement une grosse partie de ses activités, et certaines de ses décisions ont été insérées dans les manuels courants de la doctrine shāfi'ite; dans ses dernières années, cependant, il confia ce travail de routine à son assistant ou *amin al-fatwā*, Sayyid Muḥammad Sa'īd Bābaṣṣel (Brockelmann, II, 650, S II, 811). Snouck Hurgronje, qui connaissait bien Daḥlān, a pu brosser un portrait détaillé de sa personne et de son entourage.

*Bibliographie* : Snouck Hurgronje, *l'erspr. Geschr.*, III, 65-122 (avec deux extraits de la *Khulāṣat al-kalām*); Brockelmann, II, 649 sq., S II, 810 sq.; 'Abd al-Ḥayy al-Kattānī, *Fihris al-fahāris*, I, 290-2; Sarkīs, 990-2. (J. SCHACHT)

AL-DAHNA' — en Arabie Séoudite — est un arc long et étroit de *naḥūd* ou désert de dunes, d'une largeur variant de 10 à 75 km., suivant une courbe orientée vers l'Est sur une longueur totale de plus de 1000 km.; il relie le Grand Nafūd du Nord-ouest à al-Rub' al-Khālī [q.v.] du Sud et est dépourvu de points d'eau naturels sauf le long de ses bordures, mais offre une zone de prédilection pour le pâturage.

Al-Dahnā' qui, dans le passé, séparait la région intérieure d'al-Yamāma de la région côtière d'al-Bahrayn, sert actuellement de frontière officieuse entre la Province de Naǧīd et la Province Orientale (jusqu'en 1953, Province d'al-Ḥasā ou al-Aḥsā'). Sa bordure occidentale formait un secteur important de la limite occidentale de la concession pétrolière accordée en 1933 aux capitaux américains, bien qu'une zone de privilège implicite s'étendit encore plus à l'Ouest. En même temps que le premier puits creusé en 1957, un champ pétrolière a été découvert dans la ceinture de sable même, et lui est contigu du côté de l'Est : c'est le champ de *Khurayṣ*, à quelque 120 km. à l'Ouest de l'immense champ de *Ghawār*, et à environ 150 km. à l'Ouest d'al-Hufūf (dans l'oasis d'al-Ḥasā).

Des deux bandes parallèles de désert de sable qui s'étendent d'al-Nafūd approximativement vers le Sud-est, al-Dahnā' est la plus orientale et de beaucoup la plus continue [voir AL-'ARAB (DĪAZĪRAT-), notamment 552b]. Selon la toponymie des tribus, al-Dahnā' commence dans la projection Nord-est de Nafūd à quelque 50 km. à l'Ouest de Darb Zubayda, qui la traverse en gros le long d'une ligne située à 43° 32' de longitude Est, et finit loin vers le Sud avec les *'irḥs* de couleur brunâtre d'al-Duhm, qui se trouvent à la latitude du district d'al-Aflāǧī (à l'Ouest) et du puits Muḥaynima (à l'Est), soit juste au-dessus de 22° de latitude Nord. L'ultime lien qui l'unit aux sables du Sud est formé d'une bande continue de 'Urūk al-Rumayla, qui relie al-Rub' al-Khālī un peu au-dessus du 20<sup>e</sup> parallèle.

La partie supérieure d'al-Dahnā' s'étale entre le désert d'al-Ḥaǧǧārā au Nord et le plateau d'al-Taysiyya au Sud, jusqu'à l'ancien chenal de Baṭn al-Rumma (actuellement appelé Wādī al-Ruma — Wādī al-Bāṭin). Ici, juste au Sud de l'étroit Wādī al-Aǧǧarādī, les sables de la Dahnā' s'étendent vers le Sud-ouest pour être reliés, à travers le *naḥūd* d'al-Sayyāriyyāt, à ceux de Nafūd al-Maẓhūr et de Nafūd al-Thuwayrāt dans la chaîne de sable occidentale. Ensuite, al-Dahnā' s'étire entre deux arcs — auxquels elle est à peu près parallèle mais qu'elle dépasse en longueur — formés par le plateau pierreux peu élevé d'al-Summān (en classique al-Ṣammān), dont une partie s'appelle al-Ṣulb, à l'Est, et l'escarpement du *Djabal Tuwayk* à l'Ouest.

① *al-ḥarām*: entourage de la mosquée

EI, (Fon-) II, 93

*Dahlan*

أحمد زيني دحلان

(1886-1817)

فقيه . مؤرخ . ونحوي . هو أحمد بن زيني بن أحمد دحلان المكي . نشأ في مكة أم القرى ومات في مدينة الرسول- عليه الصلاة والسلام- تولى الافتاء والتدريس في المسجد الحرام بمكة المكرمة وحياناً كان ينتقل بنفسه في البلدان لارشاد الناس وتعليمهم اصول دينهم ولغتهم فرحل الى الشام واليمن وطاف في انحاء الحجاز والجزيرة : وأحياناً كان يرسل مبعوثيه الى تلك الديار لنشر التعاليم الاسلامية وبث الوعي الديني بين الناس . في أيامه أنشئت أول مطبعة في مكة وعهد اليه أمر الاشراف عليها فطبع فيها بعض مؤلفاته التي تجاوز المطبوع منها عشرين كتاباً منها : الدرر السنوية في الرد على الوهابية (طبع أول مرة في مصر 1881) ثم اعيد طبعه فيما بعد أكثر من مرة ، والفتح المبين في فضائل الخلفاء الراشدين وأهل البيت الطاهرين ، وهو مطبوع في مصر (1300هـ-1882م) . والفتوحات الاسلامية (مطبوع في مكة المكرمة 1303هـ-1885م) . و خلاصة الكلام في أمراء البلد الحرام (مطبوع في مصر 1305هـ- 1887م) ثم اعيد طبعه فيما بعد أكثر من مرة . وغيرها من المؤلفات والآثار . ألف ابو بكر الدمياطي كتاباً عنه سماه : تحفة الرحمن في مناقب السيد أحمد زيني دحلان (مطبوع) .

د. حميد هدو

عشر ألف مجلد بين مخطوط ومطبوع وقفها في حياته على الناس المهتمين بالثقافة والفكر . نقلت بعد وفاته الى دار الكتب المصرية . استطاع في حياته أن يحقق كتباً تراثية مهمة منها : نكت الهميان للصفندي (1914) ، وكتاب الاصنام لابن الكلبي (ط2 ، 1924) ، والتاج في اخلاق الملوك المنسوب للجاحظ . وله ترجمات طريفة ومتنوعة بالفرنسية وغيرها منها : الرق في الاسلام (1892) ، والدنيا في باريس (1900) وغيرها .

وصفه شكيب ارسلان: " بأنه كان يقظة في اغفاءة الشرق ، وهبة في غفلة العالم الاسلامي ، و حياة في وسط ذلك المحيط الهامد " . فهو باحث مشرق النفس جريء مؤمن برسالة عاش لها حياته كلها وهي ابراز مجد الأمة العربية والدفاع عنها و ابراز دورها في بناء الحضارة الانسانية وفضح مخططات اعدائها . لم يسلم من اتهامات خصومه عندما يتعرض لتفسير بعض أي القرآن الكريم والتي كثيراً ما كان يخالف في تفسيرها الفقهاء والمفسرين . ترك مذكرات شخصية لخص فيها ما رآه وما شاهده وما ساهم فيه . توفي في القاهرة ودفن في المقبرة التي أعدها لنفسه في حياته الى جوار جامع شيدته في منطقة الجيزة . كتب عنه أنور الجندي كتاباً (1963) وثق به سيرته وراءه واثاره .

د. حميد هدو

- Gazzali  
 - Abdullatif el-Kudat - 1931  
 - Bakri Khatib - 1932  
 - ibn al-Savhari 1932  
 ✓ Daklan Ahmad Beyzi 1932  
 - Mohammed Abdulkhalq 1932

## منهاج العابدين

لحجة الإسلام أبي حامد محمد بن محمد الغزالي المتوفى سنة ٥٠٥هـ (سبق في الإحياء وغيره).

يقال إنه آخر تأليفه رتبه على سبع عقبات في العلم والتوبة والعوائق والعوارض والبواعث والفضائل والحمد والشكر، قال في كشف الظنون: ١٨٧٦ وهو كتاب لطيف نافع لمن أراد الآخرة وأعرض عن الدنيا أوله: الحمد لله الملك الحكيم الجواد الخ خ دار الكتب المصرية ٧٧٢ و ٨٢١ وعمومية استانبول ١٥٠٩ وأيا صوفيا ٢١١٤ وانظر بقية مخطوطاته في مؤلفات الغزالي لعبد الرحمن بدوي: ٢٣٤. طبع بمصر سنة ١٢٨٧هـ وسنة ١٣٠٥هـ وسنة ١٣٢٧هـ وسنة ١٣٤٧هـ وغيرها.

\*\*\*

. ٢٣٩٧

عبد اللطيف بن عبد الرحمن بن أحمد بن علي بن أحمد بن غانم السعدي العبادي الخزرجي الأنصاري المقدسي ويعرف بابن بنانة وابن غانم المتوفى سنة ٨٥٦هـ (الضوء اللامع ٤: ٣٢٧، والشقائق النعمانية ١: ١٢٦، وكحالة ٦: ١٠).  
 \* مختصر منهاج العابدين

أوله: الحمد لله الذي وفق من شاء من عباده لسلك منهاج العابدين الخ خ برلين

أوله: الحمد لله عالم الغيب والشهادة خالق الجن والإنس للعبادة الخ خ جامعة الرياض

- \* مختصر منهاج العابدين  
 (هدية العارفين ١: ١٨١).  
 محمد بن أحمد بن حسن عبد الكريم الخالدي المعروف بالجوهري المتوفى سنة ١٢١٤هـ (سبق).  
 \* منهاج الطالبين في مختصر منهاج العابدين  
 (كحالة ٨: ٢٥٧).  
 أحمد بن زيني دحلان المكي المتوفى سنة ١٣٠٤هـ (سبق).  
 \* تنبيه الغافلين بشرح مختصر منهاج العابدين  
 (هدية العارفين ١: ١٩١) طبع بمصر سنة ١٢٩٨هـ.  
 محمد عبد الحق بن شاه محمد بن يار الإله آبادي الهندي المتوفى سنة ١٣٣٣هـ (الأعلام ٦: ١٨٦).  
 — زاد السالكين شرح منهاج العابدين  
 فرغ من تأليفه سنة ١٢٩٧هـ طبع بمطبعة الاتحاد بالقاهرة سنة ١٣٣١هـ.

. ٣٢٦٧

عبد الوهاب بن أحمد بن علي الشعراني المتوفى سنة ٩٧٣هـ (سبق).  
 \* مقاصد منهاج العابدين

خ بنبكور ١٣: ٨٤٨ (مؤلفات الغزالي: ٢٣٦).

محمد الأشرفي بن خليل بابا المؤذن البرسوي المتوفى سنة ١٠٢٥هـ (سبق في إحياء علوم الدين ولعله نفس الآتي المتوفى سنة ١٢٠٥هـ).

\* مختصر منهاج العابدين  
 (هدية العارفين ٢: ٢٧٠).

مصطفى بن كمال الدين بن علي البكري الدمشقي المتوفى سنة ١١٦٢هـ (سبق).  
 — الدر الثمين في شرح مقاصد منهاج العابدين

(هدية العارفين ٢: ٤٤٧) خ برلين ٣٢٦٨.

أحمد بن عبد الله البرسوي القادري الحنفي الخطيب الشهير بمؤذن زاده المتوفى سنة ١٢٠٥هـ (هدية العارفين ٢: ٤٤٧) خ برلين ٣٢٦٨.

(هدية العارفين ٢: ٤٤٧) خ برلين ٣٢٦٨.

ben, die er studierte.<sup>16</sup> Im März 1887 wurde er zum Hochschullehrer für Arabische Sprache und Islamisches Recht in Leiden ernannt.<sup>17</sup> Zwei Jahre später trat er in den Kolonialdienst, um den Islam in Java zu studieren und die niederländische Verwaltung in religiösen Angelegenheiten zu beraten. Wiederum trat er zumindest gegenüber seinen einheimischen Bekannten als Muslim auf. Er nahm verschiedene Aufgaben für die Regierung sowohl in Batavia als auch in Aceh wahr, und prägte die holländische Islampolitik trotz regelmäßiger Auseinandersetzungen mit den Generalgouverneuren entscheidend mit. 1906 kehrte er als Professor nach Leiden zurück, wo er seine Antrittsvorlesung über die Verbindungen zwischen Südostasien und der Arabischen Halbinsel hielt. Er lehrte bis 1927, und blieb auch während dieser Zeit, und bis zu seinem Tod am 26. Juni 1936 ein wichtiger Regierungsberater.

### Sayyid Ahmad Zaynī Dahlān

Sayyid Aḥmad Zaynī Dahlān – der Titel *sayyid* verweist auf seine Abstammung vom Propheten Muḥammad – wurde 1817 in Mekka geboren. Nach dem Besuch einer Koranschule setzte er die Ausbildung in den religiösen Wissenschaften im Moscheebezirk fort.<sup>18</sup> Sein einflußreichster Lehrer war ein Ägypter, ‘Uṭmān b. Ḥasan ad-Dimyāṭī. Dieser initiierte ihn in den Sufiorden der Ḥalwatiyya. Etwa 1848 übernahm Dahlān auch ad-Dimyāṭīs Nachfolge als Lehrer in Mekka.<sup>19</sup> Später wurde Dahlān in verschiedene weitere Orden initiiert. Der Gelehrte studierte alle vier sunnitischen Rechtsschulen, auch wenn seine Spezialität diejenige der Šāfi‘iten war, der er selbst – wie die Mehrheit der Ḥiğāzīs – angehörte.<sup>20</sup> 1871 wurde er von den osmanischen Behörden zum šāfi‘itischen Mufti und Oberhaupt

<sup>16</sup> G.-H. Bousquet, "Christiaan Snouck Hurgronje (1857-1936)", Einleitung zu G.-H. Bousquet und J. Schacht, *Oeuvres Choisies – Selected Works* [von Snouck Hurgronje], Leiden 1957, S. XIV.

<sup>17</sup> Waardenburg, *L'Islam*, p. 20.

<sup>18</sup> Abū Bakr b. Muḥammad Šaṭṭā, *Nafhat ar-rahmān fi ba‘d manāqib sayyidinā wa-mawlānā wa-ustādhinā* [...] Aḥmad b. [...] Zaynī Dahlān, Cairo 1305/1887-88, S. 8, Abū Bakr al-Mašhūr, *Lawāmi‘ an-nūr, nuḥba min a‘lām Ḥaḍramawt min ḥilāl tarjamat ḥayāt as-sayyid al-‘allāma ‘Alawī b. ‘Abd al-Rahmān al-Mašhūr* [...], Sana‘a 1991, p. 274.

<sup>19</sup> aš-Šaṭṭā, S. 18.

<sup>20</sup> al-Mašhūr, *Lawāmi‘*, S. 275.

der Mekkaner Gelehrten ernannt.<sup>21</sup> Obwohl er seine Heimat nie verlassen hat, wurde Dahlān in dieser Funktion zum Ansprechpartner von šāfi‘itischen Muslimen in der ganzen Welt und zum zentralen Punkt eines Gelehrtennetzwerks. Pilger und Studenten besuchten ihn, nahmen an seinem Unterricht teil und baten ihn um Rechtsgutachten.<sup>22</sup> Dies erklärt auch die Kontakte zwischen Javanern – darunter Snouck Hurgronjes Begleitern – und dem Mufti.

In seinen späteren Jahren verfaßte Dahlān eine Anzahl von Schriften. Neben Zusammenfassungen theologischer Abhandlungen zu Unterrichtszwecken und Kommentaren zu bestimmten Fragen ist eine Schrift zu nennen, in der er den Heiligen- und Gräberkult gegen die Kritik der Wahhabitiden und mancher Reformmuslime verteidigte.<sup>23</sup> Ein weiterer Schwerpunkt von Dahlāns Publikationen lag auf historischen Themen. So verfaßte er unter anderem eine Prophetenbiographie, eine zweibändige Geschichte der islamischen Eroberungen bis 1884 sowie eine Geschichte Mekkas bis in die späten 1850er Jahre.<sup>24</sup> Dieses letzte Werk enthält kritische Bemerkungen über die Osmanen. Da er immerhin ein prominenter Staatsbeamter war, zog Dahlān es vor, dieses Werk nicht zu seinen Lebzeiten zu publizieren. Es ist erwähnenswert, daß Dahlān von den neuen Kommunikationsmöglichkeiten, welche die Einrichtung einer Regierungsdruckerei 1883 in Mekka bot, recht intensiven Gebrauch machte.<sup>25</sup>

<sup>21</sup> Snouck Hurgronje, *Mekka*, Bd. II, Haag 1889, S. 235-237, wo er auch sagt daß der Posten des *šaiḥ al-‘ulamā’* von Mekka meistens vom šāfi‘itischen Mufti eingenommen wird. A. Le Chatelier, *Les Confréries Musulmanes du Hedjaz*, Paris 1887, S. 7f.

<sup>22</sup> Eine Reihe der für südostasiatische Muslime erstellten Gutachten findet sich in der von Nico Kaptein herausgegebenen Sammlung *The Muḥimmāt al-Nafā‘is: A Bilingual Meccan Fatwa Collection for Indonesian Muslims From the End of the Nineteenth Century*, Jakarta 1997.

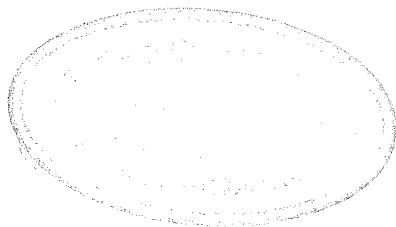
<sup>23</sup> Dahlān, *Kitāb ad-duwar as-saniyya fi r-radd ‘alā l-wahhābiyya*, Kairo, o.D., dazu Esther Peskes, *Muḥammad b. ‘Abdalwahhāb (1703-92) im Widerstreit*, Beirut 1993, S. 128-132.

<sup>24</sup> Dahlān, *as-Sira an-nabawiyya wa-l-āṭār al-muḥammadiyya*, Kairo 1875; ders., *al-Futūḥāt al-islāmiyya*, Mekka, Bd. 1 1302 (1884-85), Bd. 2 1303 (1885-86); ders., *Ḥulāṣat al-kalām fi bayān umarā’ balad al-ḥarām*, Kairo: al-Maṭba‘a al-ḥayriyya 1888.

<sup>25</sup> Auch der Unterricht in Mekka wurde durch das Druckwesen beeinflusst, vor allem im Hinblick darauf, daß die Studenten jetzt die besprochenen Texte nicht mehr zunächst nach Diktat aufzeichnen mußten, sondern sich diese in gedruckter Form beschaffen konnten. Snouck Hurgronje, *Mekka*, Bd. 2, S. 264.

D 840

that rendered this quarter an academic hub of the Sunni Islamic world. Mithqāl's architects chose the cruciform *īwān* (hall) style to emulate *madrasas* offering instruction in all four legal schools (*madhhabs*). The Sābiqiyya is therefore regarded as one of the finest early modifications of this pattern for a college supporting only one school, but opening its doors to students from the others. Mithqāl imported marble and porphyry from Italy to pave the floor and panel the *mihrāb*, cedar from the Lebanon mountains for the gilded ceiling. He established an endowment to support a senior professor (*mudarris*) of Shāfi'ī jurisprudence, and appointed an eminent shaykh, Sirāj al-Dīn 'Umar b. al-Mulaqqin, as first recipient of the chair (*kursī*). The *mudarris* was assisted by two deputy instructors (*nuwwāb*), presumably former students, and a repetitor (*mu'īd*) to supervise drill of required texts. I estimate the number of students at no more than twenty, fewer of whom could reside in the structure itself at any one time. The endowed library was also modest, due in part to the close vicinity of other foundations that maintained larger collections. Although the overall company of students could not compare with enrolments at an institution like the Azhar, several graduates of al-Sābiqiyya went on to gain distinction as jurisconsults, scholars and administrators. Proud of their association with the *madrasa*, they listed it prominently in their own biographies—thus recalling the name of its founder long after his demise.



9 11 1998  
MADRID  
SONRA GÖRÜLMEK ÜZERE

AḤMAD ZAYNĪ DAḤLĀN'S  
AL-FUTUḤĀT AL-ISLĀMIYYA: A CONTEMPORARY  
VIEW OF THE SUDANESE MAHDI

HEATHER J. SHARKEY<sup>1</sup>

Sayyid Aḥmad b. Zaynī Daḥlān (1817-1886) was a prominent Meccan who became the leading *muftī* of the Shāfi'ī *madhhab* and head of the corporation of 'ulamā' in his native city.<sup>2</sup> He was also a prolific writer. Joseph Schacht describes him as 'the solitary representative of historical writing in Mecca in the nineteenth century', unusual for addressing the 'controversial topical questions' of his time.<sup>3</sup> Shortly before his death in 1886, Aḥmad Zaynī Daḥlān finished *al-Futuḥāt al-islāmiyya*, a lengthy survey of the Islamic conquests from the wars of apostasy (*ridḍa*, 632-33) to his own day.<sup>4</sup> One of its last sections discusses the fledgling Mahdist movement of a man named Muḥammad Aḥmad from the Sudan.<sup>5</sup> Although this section has until now escaped the

- 1 The author would like to thank the following sources for supporting her three-month research visit to the University of Bergen: the American-Scandinavian Foundation (Crown Princess Martha Friendship Fund); Center of International Studies, Princeton University (Boesky Family Fund); Council on Regional Studies, Princeton University; and Program in Near-Eastern Studies, Princeton University. The author would also like to thank Professor R.S. O'Fahey for bringing Daḥlān's treatise to her attention.
- 2 As Shāfi'ī *muftī* he had many students from Southeast Asia, where he was well known. See C. Snouck Hurgronje, *Mekka in the Latter Part of the 19th Century* (trans. J.H. Monahan), Leiden: E.J. Brill 1931, 237-8 and *passim*.
- 3 Daḥlān wrote extensively on the Wahhābī movement, for example, J. Schacht, 'Sayyid Aḥmad b. Zaynī Daḥlān', *EI* (2), II, 91; *GAL*, II, 499-500, S II, 810-11; *ALA*, I, 333.
- 4 *Al-Futuḥāt al-islāmiyya* was first published as a lithograph in Mecca in 1884-85. This essay relies upon the Cairo edition of 1968.
- 5 The term *mahdī* means 'rightly guided [leader]' (implying guidance from God) and has Muslim millenarian overtones. Mahdist

*Sudanica Africa*, 5, 1994, 67-75, Bergen

Dahlān, Ahmed b. Zaynī el-wakkī (v. 1304 / 1886)

DOKUMENTARY

RONART, Stephen and  
Nandy CEAC, S. 132  
1959 (AMSTERDAM)

DAHLĀN, AHMAD ibn-ZAINĪ, an Arab historian (XIXth century) who for many years held the office of a *muftī*\* and *Shaykh al-'Ulamā'*\* in his native town Makkah. He wrote a history of Makkah, and a synopsis of the political events during the first Islamic century, both considered as belonging to the best of their kind. Amongst his many other works are known the *Sīrat al-Dahlānīyah*, a compilation of the histories of the Arab dynasties, and a critical study of Wahhābism, in which he sharply takes position against this movement.

علي رضا قره بلوط , معجم المخطوطات الموجودة في مكاتب  
استانبول و أناطولي, الجزء الأول, [y.y.,t.y.] , İSAM 141806

s. 117

Dahlan Ahmed Zayni  
0410 - أحمد بن زيني دحلان المكي أبو العباس  
الفقيه الشافعي مفتي الشافعية بمكة المكرمة المدرس  
المحدث المؤرخ المنطقي الصوفي ورئيس العلماء وشيخ  
الخطباء المعروف بزيني دحلان المتوفى بالمدينة المنورة  
سنة 1886/1304

( أنظر : ذيل كشف الظنون 82/1 ، 436 ، 161/2 ،  
172 ، 588 ؛ هدية العارفين 191/1 ؛ الزركلي  
129/1 ؛ معجم المؤلفين 229/1 )  
من تصانيفه :

1 - مشارق الأنوار السننية بفضائل ذرية خير البرية  
حاجي محمود رقم 576 ورقة 54 ؛

MADDE YAYINLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

*Daḥlān Ahmed b. Zaynī*

154. AHMAD DAHLĀN (Aḥmad b. Zaynī b. A. Daḥlān), *Asnā al-maṭālib fi najāt Abī Ṭālib*, éd. H. b. 'A. al-Saqqāf, Amman, Dār al-Imām al-Nawawī, 1425/2004; 16,5x23,5 cm., 154 p.

L'A., né à La Mecque, où il devint en 1871 mufti des chaféites et Cheikh des oulémas. Il mourut à Médine en muḥ. 1304/inc. 30 sept. 1886.; *GAL*, II, 499-500, *op.* 17; *SII*, 810-1; *Kahh*, I, 229-30; *Sarkis*, 990, *op.* 2 (imprimé au Caire, 1305). L'A. y défend l'idée que Abū Ṭālib, père de 'Alī, n'est pas mort dans l'impiété.

Texte (p. 31-148) ici repris de l'éd. de 1305, antérieure, avec des notes de référence aux traditions citées par l'A. Il s'appuie surtout sur le chaféite M. b. 'Abd al-Rasūl b. 'Abd al-Sayyid al-Ḥusaynī al-Shahrazūrī al-Madanī al-Barzanjī al-Shāfi'ī (al-Mufasssir) (m. 1103/1691; *GAL*, II, 388-9; *Kahh*, IX, 308), qui, après avoir écrit sur le salut (*najāt*) des parents de Mahomet, écrivit un appendice sur la foi de Abū Ṭālib (*Bughyat al-ṭālib li-īmān Abī Ṭālib*; dont le brouillon fut achevé à Médine, Zuqāq al-Budūr, en 1088; *GAL*, II, 388, *op.* 3; *Ahlwardt*, n° 2451). L'on peut dire, dans une certaine mesure, que A. Daḥlān a repris le texte de Barzanjī, le « publiant » en quelque sorte.

A. Daḥlān a écrit ce traité contre le fils d'un copte, M. b. Sul. Ḥasab Allāh (al-Makki al-Shāfi'ī, un théologien dialectique; m. 1335/1917; *GAL*, II, 500-1; *Kahh*, X, 49), qui dans son zèle de converti à l'islam partait en guerre contre le tabac, et surtout prétendait, comme la plupart des ḥanbalites, entre autres, que les parents de Mahomet et son oncle Abū Ṭālib étaient morts dans l'incroyance, et, par conséquent, se trouvaient en enfer.



Allevi Mub. b. Saad  
Dahlan Ahmed Zeine

## فتح الرحمن وزيادته في بيان الإسلام والإيمان

لمحمد بن زياد الوضاحي الشرعبي المتوفى سنة ١١٣٥هـ .  
(نشر العرف ٢ : ٦٥١ ، مصادر الفكر العربي الإسلامي : ١٣٤) خ جامعة الرياض ١٥٥٢ .

\*\*\*

عبد الله بن سليمان الجرهمي المتوفى ١٢٠١هـ

(سبق)

— شرح فتح الرحمن خ حضرموت الأحقاف

٢٦٧٥:

إبراهيم بن محمد الباجوري المتوفى سنة  
١٢٧٦هـ (سبق) .

— الدرر الحسنان على فتح الرحمن فيما

يحصل به الإسلام والإيمان خ جامعة  
الملك سعود بالرياض ١٣٩٠  
طبع منه نسخة في التيمورية ٦٤٦ .

عبد الله بن أحمد بن عبد الله باسودان الدوعني  
الحضرمي المتوفى سنة ١٢٦٦هـ (سبق) .  
— الإعلام والبيان لمعاني فتح الرحمن  
خ جامعة الملك سعود ٢٠٤٤ .

سعید بن محمد باعشن المتوفى سنة ١٢٧٠هـ

— مواهب الاديان شرح فتح الرحمن خ  
احقاف حضرموت ١٩٣٩ طبع اخيراً

محمد بن عمر نووي الجاوي المتوفى سنة  
١٣١٦هـ (سبق) .

— حلية الصبيان في شرح فتح الرحمن

(ذيل كشف الظنون ١ : ٤٢٠) طبع مكة  
سنة ١٣٠٤هـ .

أحمد زيني دحلان المتوفى سنة ١٣٠٤هـ  
(سبق) .

— منهل العطشان في شرح فتح الرحمن  
طبع بمكة سنة ١٣٠٤هـ .

سالم بن شيخ الحيشي المتوفى ١٣٣١هـ

— شرح فتح الرحمن

سالم بن عبد الرحمن باصبهي المتوفى سنة  
١٣٣٦هـ .

— تحفة الإخوان في شرح فتح الرحمن  
طبع بعلدن سنة ١٣٦٩هـ .

MADDE VE YAKINLANDIRGAN  
SONRA GELEN BİR KİTAP

27 SUBAT 2007